



کانون وکلای دادگستری منطقه فارس

مجله الکترونیکه همایش

بایسته‌های حمایت از وکلای در معرض خطر

The Electronic Magazine Of The Conference

Obligations To Protect Endangered Lawyer

13 July 2023-Shiraz .Iran



فهرست

- ۳ بررسی چرایی و چگونگی برگزاری همایش
شهرام مختاری - دبیر اجرایی همایش
- ۶ پیش نشست ها
دکتر بهنام اکبری، دکتر کورش استوار سنگری، دکتر جعفر کوشا، مهندس علیرضا پاک فطرت، دکتر ابراهیم عزیزی، دکتر زهره الهیان
نشست های تخصصی
- ۱۱ آسیب شناسی مخاطرات و کلای دادگستری از منظر سیاست تقنینی و قضایی
دکتر مهدی هوشیار، وکیل دادگستری و عضو هیات مدیره کانون وکلای دادگستری فارس و کهگیلویه و بویراحمد
- ۱۶ وکیل خطر خیز و پرسش مبنایی "چه چیزی و چگونه باید حمایت شود؟!"
دکتر محمد صالح نقره کار، دبیر کارگروه حقوق بشر اسکودا
- ۲۲ وکلای در معرض خطر
پیمان زمانی :: وکیل دادگستری
- ۲۵ مصونیت وکیل و آزادی دفاع
دکتر علی مندنی پور، وکیل دادگستری و رئیس سابق کانون وکلای دادگستری فارس و کهگیلویه و بویراحمد
- ۳۲ خطرات تهدید کننده وکلا و ریشه‌های آن
دکتر جلیل مالکی، وکیل دادگستری و رئیس سابق کانون وکلای دادگستری مرکز
- ۳۵ راههای پیشگیری از بزه دیدگی شغلی وکلا
دکتر هما داودی گرمارودی، وکیل دادگستری و رئیس اسبق کانون وکلای دادگستری البرز
- ۳۹ طرح پیشنهادی جهت حمایت تقنینی از زیست حرفه ای وکیل
اصول اساسی نقش وکلا
- ۴۱



صاحب امتیاز: کانون وکلای دادگستری فارس و کهگیلویه و بویراحمد
تهیه و تنظیم: شهرام مختاری
طراحی: الهام کاتوزیان
صفحه آرایی: محبوبه براهیمیان
نشانی: شیراز، خیابان قصردشت، نرسیده به ولیعصر، ساختمان کانون وکلای دادگستری
تلفن: ۳۶۲۸۶۹۴۲ / شماره: ۳۶۲۵۲۷۸۰ پست الکترونیک: info@farsbar.org



بررسی چرایی و چگونگی برگزاری همایش

شهرام مختاری

دبیر اجرایی همایش بایسته های حمایت از وکلای در معرض خطر

حقوقی، حق دادرسی عادلانه، برابری همه در برابر قانون و دادگاه و همچنین احترام به کرامت انسانی و حقوق بشر دارند. استانداردها و قوانین بین‌المللی و منطقه‌ای «استقلال حرفه وکالت» و «اصل عدم مداخله نهادهای دولتی و غیردولتی» در فعالیتهای حرفه‌ای آنها را تضمین می‌کند که همین تضمین‌ها اغلب در قوانین داخلی کشورها نیز پیش‌بینی شده است. برای اینکه وکلا به طور کامل فعالیتهای حرفه‌ای خود را انجام دهند، دولت‌ها باید در قانون‌گذاری و در عمل از استقلال و برابری آنها در رسیدگی‌های قضایی و همچنین ایمنی و امنیت وکلا اطمینان حاصل کنند.

به مجله الکترونیکی همایش "بایسته های حمایت از وکلای در معرض خطر" خوش آمدید. در این شماره، به مسئله بحرانی حفاظت از وکلایی که به دلیل فعالیت‌هایشان در دفاع از حقوق بشر، تأیید عدالت و حفظ قانون با تهدیدات، ستم و خشونت مواجه هستند، پرداخته‌ایم. به ما بپیوندید تا چالش‌هایی که وکلای در معرض خطر در سراسر جهان با آن‌ها روبرو هستند را بررسی کنیم و استراتژی‌هایی را برای تضمین ایمنی و حفاظت آن‌ها مورد بحث قرار دهیم. با مطالعه مطالب این مجله خواهیم دید که وکلا نقش کلیدی در تضمین دسترسی شهروندان به کمک‌های



حقوق، فرهنگ، اجتماع و رسانه در جهت شناسایی راهکارهای عملی حمایت از وکلای در معرض خطر اقدام کند که گزارش این جلسات در مجمع عمومی مدیران کانون های وکلای دادگستری در اردیبهشت ماه ۱۴۰۲ خوزستان اعلام گردید و از آنجا که سالانه وکلای زیادی مورد سوء قصد، هتک حرمت، سلب امنیت و آزادی و حتی سلب حیات قرار می گیرند لذا تدابیری لازم بود تا از اقدامات انجام شده فراتر رفت و با اصلاح مقررات فعلی و یا وضع قوانین جدید وکلای دادگستری اطمینان یابند در مسیر ایفای رسالت وکالتی و صنفی خود تحت حمایت قوای عمومی و

بدیهی است فقدان روش های حفاظتی مناسب در جهت ایمن نگهداشتن وکلا بر کیفیت فعالیت آنها تأثیر منفی خواهد داشت و نمی توان در یک دادرسی منصفانه آن را نادیده گرفت لذا ضروری است وکلا از خطراتی که ممکن است با آن مواجه شوند آگاه باشند و یک طرح امنیتی با داشتن حداقل های لازم برای مقابله با این خطرات تدوین شود.

به علاوه وکلا ممکن است با خطراتی مانند تهدید به جان و امنیت شخصی، تهدید به آزادی، تعقیب و تحقیر عمومی، تعقیب قضایی ناعادلانه و سایر اقدامات ضد حقوقی مواجه شوند که برای مقابله با این خطرات، وکلا باید به منابع و سیستم های حمایتی دسترسی داشته باشند که به آنها در مقابله با تهدیدات کمک کنند این منابع شامل انجمن های حرفه ای مستقل مانند کانون های وکلای دادگستری و نهادهای ذی صلاح دیگری است که امکان کمک و دفاع در برابر تهدیدات برای وکلا در معرض خطر را فراهم می کند. علاوه بر آنچه یاد شد دولت ها و سیستم های قضایی باید در فعالیت هایی که به ترویج و حفاظت از حقوق و امنیت وکلا می پردازد، شرکت کنند که این می تواند از طریق اجرای قوانین و مقرراتی که امنیت و استقلال حرفه ای وکلا را تضمین کند انجام شود

لذا ضروری است دولت ها منابع کافی را فراهم کنند تا برنامه های معاضدت قضایی و حقوقی و طرح هایی که دسترسی به عدالت را برای همه افراد بدون توجه به وضعیت مالی آنها تضمین می کند، پشتیبانی کنند. از آنجا که فراوانی و نوع ریسک در کشورهای مختلف متفاوت است می بایست عواملی که به افزایش ریسک کمک می کنند از جمله فقدان ضمانت های قانونی برای استقلال حرفه وکالت و عدم استقلال کانون های وکلا، مصونیت از مجازات عاملان تهدید و حملات، عدم دسترسی به موقع به حفاظت موثر توجه کافی داشت و بر اصلاح و رفع آنها کوشید .

بیش از یک سال است که کارگروه حقوق بشرا تحادیه سعی نموده است با برگزاری جلسات منظم در اسکودا و با حضور کارشناسان و فعالان حوزه های



کانون های وکلای دادگستری قرار خواهند گرفت؛ بدین منظور هیات مدیره کانون وکلای دادگستری منطقه فارس با پیشنهاد همکاری ارجمند جناب آقای دکتر مهدی هوشیار و در جهت تبیین موضوع و بررسی تخصصی چالش ها و



ظرفیت های قانونی دفاع از وکیل و نهاد وکالت تصمیم بر برگزاری همایشی با عنوان بایسته های حمایت از وکلای در معرض خطر با همکاری اتحادیه سراسری کانون های وکلای دادگستری ایران گرفت که این همایش در تاریخ پنجشنبه ۲۲ تیرماه ۱۴۰۲ و با مشارکت مرکز خدمات حقوقی و فناوری دانشگاه شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیراز و انجمن علمی حقوق اساسی ایران و با حضور مقاماتی از اتحادیه سراسری کانون های وکلای دادگستری ایران، صندوق حمایت از وکلای دادگستری، مقامات قضایی، نمایندگان مجلس، تعدادی از روسای کانون های وکلای دادگستری و نیز نمایندگانی از

کانون های وکلای ترکیه و قبرس به صورت ویدیو کنفرانس و در قالب سه پنل تخصصی برگزار شد. در پنل اول آقایان دکتر شهرام ابراهیمی، دکتر مهدی هوشیار و دکتر محمد صالح نقره کار به بررسی علت شناسی و آسیب شناسی موضوع وکلای در معرض خطر و در پنل دوم آقایان پیمان زمانی و رئوف سیاری با همکاری دکتر گوکهان بوزکورت و دکتر نجدت باسا به تشریح دستاوردهای حمایتی از وکلای در معرض خطر از منظر تطبیقی و در پنل سوم نیز آقایان دکتر علی مندی پور، دکتر جلیل مالکی و خانم دکتر هما داودی گرمارودی به بحث و بررسی پیرامون بایسته های حقوقی و حمایتی از وکلای در معرض خطر پرداختند. حفاظت از وکلای در معرض خطر نه تنها برای افراد مورد نظر بلکه برای حفظ عدالت، حقوق بشر و قانون اساسی بسیار حائز اهمیت است. از طریق این مجله الکترونیکی، هدف ما روشن کردن و آگاهی رسانی از آنچه در این همایش گذشت و همچنین الهام بخشیدن به عمل و تقویت همبستگی جامعه وکالت در تضمین ایمنی آن ها است. بیایید در تعهدات خود به حفاظت از این مدافعان شجاع عدالت، یکپارچه شویم.

بدون تردید تدبیر برگزاری و اجرای این همایش مرهون زحمات تعداد زیادی از همکاران جوان ما خانم ها و آقایان در کمیسیون های مختلف کانون وکلای دادگستری منطقه فارس از جمله روابط عمومی، آموزش، حمایت، پارلمانی و همچنین همکاران محترم و پرتلاش ما در هیات اجرایی این همایش است که بر خود لازم می دانم از ایشان و حمایت های بی دریغ هیات مدیره محترم کانون وکلای دادگستری منطقه فارس، ریاست محترم اتحادیه سراسری کانون های وکلای دادگستری ایران و همچنین آقای دکتر کورش استوار سنگری دبیر محترم علمی و آقای محمد رضا یزدان پناه رئیس محترم روابط عمومی تشکر و قدردانی نمایم و امیدوارم تلاش های انجام شده موجب شروع فصل جدیدی از حمایت های قانونی دولت از متولیان دفاع از حقوق شهروندان باشد.



پیش نشست ها

سخنرانی ها

● حقوق یک وکیل برگرفته از قانون اساسی است

شده است و برای بررسی جایگاه وکلا و نهاد کانون وکلا در ایران باید به قانون مادر مراجعه و ملاحظه کرد که قانون اساسی چه نقشی برای این نهاد در نظر گرفته است.

اکبری ادامه داد: بحث مربوط به وکالت در فصل سوم قانون اساسی ذیل حقوق ملت آورده شده و این نشان می دهد بنیان این قانون، با دوراندیشی و حساسیت به موضوعی پرداخته اند که حائز اهمیت است.

وی با بیان اینکه نقش اولیه از لحاظ صنفی به خود ما برمی گردد و وظیفه کانون وکلاست، خاطر نشان کرد: در اصل ۳۵ قانون اساسی جایگاه وکیل دادگستری، پاسداشت حقوق ملت است، بنابراین جایگاه این نهاد از منظر قانون اساسی به وضوح قابل مشاهده است.

به گفته رییس کانون وکلای فارس و کهگیلویه و بویراحمد، زمانی اهمیت این موضوع مشخص می شود که به وکیلی در راستای رسالتی که بر عهده اوست تعرضی صورت گیرد و اهمیت دو چندان زمانی رخ می دهد که واکنش افکار عمومی را به دنبال داشته باشد.

اکبری یادآور شد: نهاد وکالت و جایگاه وکیل در زیر مجموعه حقوق ملت بوده و افکار عمومی اگر واکنش نشان دهد در راستای حقوق ملت واکنش داده است.

رییس کانون وکلای فارس و کهگیلویه و بویراحمد با طرح این سوال که کار وکیل دفاع در جهت حقوق شهروندی و آزادی های اساسی است چرا باید در این راستا مورد تعرض قرار بگیرد؟، تصریح کرد: طبیعتاً در پرونده هایی که جنبه های مختلفی به خصوص در امور کیفری، جرائم سیاسی و امنیتی دارند وظیفه وکیل است که در این پرونده ها دفاع کند و ممکن است خوشایند کسانی هم قرار نگیرد و از سوی اشخاص حقوقی و حقیقی تهدید شود.



دکتر بهنام اکبری

رئیس کانون وکلای دادگستری فارس و کهگیلویه و بویراحمد

معرفی حقوق یک وکیل برگرفته از قانون اساسی است و ضرورت حمایت از شهروندان و حقوق آنها ایجاب می کند بسترهای حمایتی از کانون وکلا به صورت ویژه مورد بررسی قرار گیرد.

دکتر بهنام اکبری با بیان اینکه وکلا سنگربانان دفاع بی سنگر هستند، این همایش را یکی از ضروریات عرصه وکالت و وکیل دادگستری عنوان و خاطر نشان کرد: هدایت افکار عمومی و همراهی با این نهاد به خصوص در بحث وکلای در معرض خطر ایجاب می کند که این جایگاه به استحضار عموم رسانده شود.

وی با اشاره به اینکه برای شناخت یک کشور و دیدگاه های آن جامعه نسبت به وضعیت موجود باید قوانین آن کشور را بررسی کرد، ادامه داد: با نگاه اجمالی به قوانین این کشورها می بینیم نقش و جایگاه نهادها در قوانین به خوبی تدوین

صورتی که در پارلمان های دنیا بیشترین علاقمندی به کمیسیون های حقوقی و قضایی است. رییس کانون وکلای فارس و کهگیلویه و بویراحمد خطاب به نمایندگان مجلس تصریح کرد: در کانون های وکلای فارس و کهگیلویه طی یکسال گذشته ۲ هزار مورد وکیل تسخیری، صدها مورد وکیل معاضدتی و ۱۰۰۰ مورد مشاوره حقوقی در قالب تفاهم نامه هایی با شهرداری، بهزیستی و سازمان زندان ها انجام گرفته است.

وی با انتقاد از رسانه ملی در نپرداختن به موضوعات کانون های وکلا، ادامه داد: چرا رسانه ملی که از بودجه عمومی کشور استفاده می کند این موضوع را در راستای رسالت خود برای مردم تبیین نمی کند.

اکبری از نمایندگان مجلس خواست که طرح ارائه شده اسکودا را به جد دنبال کنند و پیشنهاد داد تا نمایندگان مجلس از ظرفیت وکلا به عنوان مشاور در کنار خود بهره ببرند. وی عنوان کرد: جامعه حقوقی کشور همیشه نقش آفرین بوده و همراهی این نهاد در رفع مشکلات می تواند نقش آفرین باشد.

وی ادامه داد: قانون باید در اینجا مدافع حقوق وکیل و نهاد وکالت باشد. اکبری با طرح پرسش دیگری در خصوص اینکه آیا در این رابطه خلأ قانونی وجود دارد یا مشکل اجرا، گفت: در واقع هر دو است و قانون آنطور که باید اجرا نمی شود.

رییس کانون وکلای فارس و کهگیلویه و بویراحمد افزود: وکیل در مقام دفاع، از تامينات شغل قضا برخوردار است؛ اما آیا ما شاهد تحقق این موضوع و مشکلات پیرامونی در واقعیت و اجرا هستیم؟

وی کانون وکلا را نهادی خودگردان و خودانتظام دانست و اظهارداشت: این کانون بیش از ۱۰ هزار نفر را طی سالیان سال در این حرفه آموزش داده، اما هر روز به جای حمایت شاهد دست اندازی ها هستیم.

اکبری با تاکید بر اینکه تا چه زمانی باید این آزمون و خطا تکرار شود، گفت: بسیاری از نمایندگان مجلس شورای اسلامی حقوقدان هستند اما تمایلی به حضور در کمیسیون های قضایی ندارند. وی ادامه داد: چرا بعضی کمیسیون های مجلس ما برای عضویت این همه طرفدار دارد در

که اگر وکیلی به دلایل شخصی دچار مخاطراتی شد مورد حمایت قرار گیرد؛ بلکه منظور این است که اگر وکیلی به دلیل انجام وظایف حرفه ای خود با چالش ها و مخاطراتی مواجه شد قانون از او حمایت کند.

به گفته استوارسنگری، وکلا معمولاً از دو موضع آسیب می بینند که یکی اصحاب دعوی قدرتمند خصوصی و دیگری نهادهای دولتی است که می توانند وکلا را به دلیل پیگیری پرونده های خاص تحت فشار قرار دهند.

دبیر علمی همایش بایسته های حمایت از وکلای در معرض خطر با اشاره به اینکه قانون شأن قاضی و وکیل را یکسان می داند؛ اما در عمل چنین چیزی مصداق ندارد، ابرازداشت: واقعیت این است که قضات و وکلای مستقل در معرض آسیب ها و تهدیدهای جدی هستند.

وی، بر ضرورت توجه جامعه و مسئولان به آسیب ها و خطراتی که وکلا را تهدید می کند تاکید و خاطرنشان کرد: طرحی برای ارایه به مجلس تهیه و تدوین تا براساس آن الحاق سه تبصره به ماده واحده مصوبه مجمع تشخیص مصلحت درباره حمایت از وکلا مورد توجه قرار گیرد.

دبیر علمی همایش بایسته های حمایت از وکلای در معرض خطر با انتقاد از اینکه برخی مصوبات و قانونگذاری ها به تضعیف نهاد کانون وکلا می انجامد، بیان داشت: یکی از چالش هایی که حرفه وکالت را از حوزه تخصصی خود خارج می کند راه اندازی سامانه اخذ مجوزهاست که باعث می شود علاوه بر کمرنگ شدن نقش کانون، وکالت نیز از حالت تخصصی خود خارج شود.

● قضات و وکلای مستقل در معرض آسیب ها و تهدیدهای جدی هستند



دکتر کورش استوار سنگری

دبیر علمی همایش بایسته های حمایت از وکلای در معرض خطر

وی در تشریح فلسفه برگزاری این همایش گفت: در کشور ما وکلا در معرض مخاطرات گوناگونی مانند حمله، جرح، احضار، بازداشت و مانند اینها قرار می گیرند که باید این آسیب ها شناسایی و مورد توجه قرار بگیرند و نهایتاً راه حلی برای آنها ارایه شود. وی با بیان اینکه وکلا به عنوان بخشی از جامعه که خدمات عمومی ارایه می کنند و در معرض خطر هستند، نیازمند حمایت های خاص حقوقی هستند؛ اظهارداشت: منظور ما این نیست

● وکیل اسباب تضمین حکومت قانون و دفاع از آزادی‌ها قلمداد می‌شود



دکتر جعفر کوشا

رئیس اتحادیه سراسری کانون‌های وکلای دادگستری
ایران «اسکودا»

از طریق بازداشت اعضای خانواده، افشای اسرار، نقض حریم خصوصی، شنود، تهدید انتظامی و یا صلاحیتی را به عنوان بخشی از آسیب‌هایی که به وکلا وارد می‌شود مورد اشاره قرار داد و گفت: تضمین، تامین و ارتقای امنیت انسانی و حرفه‌ای وکیل هدفی است که سازمان، برنامه، روش منسجم و کارآمد می‌طلبد و نیازمند مشارکت و همکاری همه ذینفعان و مرتبطین است.

عضو هیأت علمی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی تصریح کرد: رفع خلأهای قانونی و تمشیت ساختاری و رفتاری برای حمایت‌های تامینی و کنترلی نسبت به مخاطرات گام مهمی در این مسیر است.

به گفته وی، آموزش به مردم، نهادهای عمومی، دولتی، رسمی و حاکمیتی، ضابطین، قضات و کارکنان قضایی، از جهت شناخت مقتضای حرفه وکالت و تأمینات و احترام به مقام وکالت، از جمله تبیین اینکه وکیل جزو اصحاب دعوا نیست و اینکه وکالت در یک پرونده به مفهوم حمایت یا موافقت با جرم یا عمل ارتكابی نیست، از جمله موضوعاتی است که باید در مورد آن فرهنگ‌سازی شود.

کوشا با اشاره به وظایف نظام حکمرانی در قبال تأمین امنیت وکلا تصریح کرد: آموزش دفاع وکیل از خود و صیانت از خانواده، از جمله موارد مورد نظر است. نهادهای حاکمیتی و نظام حکمرانی کشور نیز باید مسئولیت خود را در قبال امنیت وکلا ایفا نمایند. وکیل اگرچه کارمند دولت یا نظام حکمرانی نیست، اما بخشی از فرایند دادرسی منصفانه را بر عهده گرفته و به نوعی کارگزار خدمت عمومی از خاستگاه بخش غیردولتی است، به همین دلیل باید مورد حمایت قوای عمومی و نهادهای حکمرانی قرار گیرد.

وی افزود: امکانات حفاظتی و آموزش‌های مراقبتی و سیاست‌های حمایتی و کارکردهای تامینی می‌تواند بخشی از برنامه حکمرانی برای پیشگیری و حمایت از وکلای در معرض خطر قلمداد شود.

رئیس اسکودا، تغییر انگاره عمومی از منصب وکالت را گامی مهم در راستای ارتقای امنیت حرفه‌ای و اجتماعی وکلا در کشور توصیف کرد و گفت: اگر مردم حس همسویی یا همذات‌پنداری با وکیل در معرض خطر داشته باشند، اساساً اعمال خشونت علیه وکلا برای کسانی که این کار را مرتکب می‌شوند، دشوارتر می‌شود.

همه باید تلاش کنیم، مردم حس کنند وکیل در دفاع از قانون، نظم عمومی و خیر عمومی و حقوق بشر و شهروندی به صورت مستقل وارد میدان دادخواهی می‌شود.

ایشان طی سخنانی با اشاره به لزوم حمایت از وکلا برای ایفای صحیح مسئولیت خود گفت: واقعیت این است که وکلا از ستون‌های اصلی در تحقق حاکمیت قانون و دفاع از حقوق و آزادی‌های بنیادین ملت هستند.

به گفته وی، وکلای بسیاری در مسیر فعالیت‌های حرفه‌ای یا اجتماعی خود با چالش سلب امنیت و آزادی مواجه می‌شوند، لذا برای اینکه آنها بتوانند این مسئولیت سترگ را به درستی ایفا کنند، باید از تأمینات حمایتی کافی برخوردار باشند.

کوشا افزود: تدابیری لازم است تا وکلا اطمینان یابند در مسیر ایفای رسالت وکالتی و صنفی، تحت حمایت قوای عمومی و کانون‌های وکلای دادگستری قرار خواهند گرفت. وی ادامه داد: امنیت فردی و حرفه‌ای وکیل به عنوان یک مولفه بنیادین در دفاع از حقوق مردم با حقوق اساسی عجین است، نمی‌شود از دفاع نسبت به حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین سخن گفت، اما وسیله این دفاع را صیانت و حمایت نکرد.

وی با بیان اینکه وکیل اسباب تضمین حکومت قانون و دفاع از آزادی‌ها قلمداد می‌شود، اظهار داشت: وکلا چه در مواجهه با خطرات بالقوه و چه در خصوص خطرات بالفعل، نیازمند حمایت صنفی و قانونی هستند.

رئیس اسکودا، تهدید به تعقیب و بازداشت، تهدیدات روانی، حیثیتی، شغلی، اقدامات تروریستی، قتل، ضرب و شتم، تحقیر، آزار، خشونت زبانی، فیزیکی، تهدید به اعمال فشار

● در جامعه ای که وکلای قوی حضور داشته باشند شهروندان احساس آرامش بیشتری می کنند

دانش افزایی وکلا تاکید کرد و افزود: قانون تسهیل کسب و کار به معنای این نیست که افراد فاقد تخصص با دارا بودن مدرک تحصیلی بتوانند پروانه وکالت دریافت کنند. پاک فطرت با بیان اینکه طبق قانون باید امنیت جسمی و روحی وکلا تامین گردد، اظهار داشت: در کشور پهناور ایران با کمبود وکیل روبرو هستیم و باید با پرورش نیروهای متخصص و متعهد پاسخگوی این نیاز کشور باشیم.



مهندس علیرضا پاک فطرت

نماینده شیراز و زرقان در مجلس شورای اسلامی

ایشان وکیل و قاضی را بال های فرشته عدالت توصیف کرد و گفت: قانون حمایت از آنها باید به صورت ویژه در دستور کار قرار گیرد.

وی با بیان این که کانون وکلای استان فارس به عنوان یکی از مراکز فعال و پویا در عرصه کشور شناخته می شود؛ اظهارداشت: امروز بیش از همیشه حضور وکیل در پرونده های قضایی لازم و ضروری به نظر می رسد. در جامعه ای که وکلای قوی حضور داشته باشند شهروندان احساس آرامش بیشتری می کنند و امیدواریم این همایش بتواند به اهداف خود که همانا ارتقا جایگاه وکیل و اجرای بهتر قانون است، دست یابد.

این نماینده مجلس با یادآوری این موضوع که دادگستری استان فارس هم، جایگاه ویژه ای در عرصه کشور داشته و قضات استان به عدالت شهرت دارند، بیان داشت: وکیل و وکالت واژگان مقدسی هستند که جایگاه منحصر بفردی میان مردم و قوه قضاییه دارد و در برقراری عدالت و دفاع از حق و حاکمیت تلاش می کنند.

نماینده مردم شیراز و زرقان از وکلا به عنوان یکی از ستون های اصلی در تحقق حاکمیت قانون در جامعه یادگرد و افزود: کار وکالت به صورت بالذات مخاطره آمیز است و در بسیاری موارد خانواده وکلا و ذینفعان با تهدید از سوی سودجویان و افرادی که تعارض منافع دارند روبرو می شوند. به همین دلیل برای اینکه وکیل بتواند مسئولیت های خود را به درستی انجام دهد باید از حمایت مطلوب از سوی حاکمیت و جامعه برخوردار باشد.

این نماینده مجلس در بخش دیگری از سخنانش بر



وی با بیان اینکه دو اصل حفظ امانت و عدالت در امر وکالت مورد توجه است، اظهارداشت: دستیابی به یک جامعه سالم و رشد یافته در گرو توجه به این دو اصل قرارداد دارد. به گفته عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی، جامعه ای می تواند بر مدار توسعه و پیشرفت حرکت کند که قانونمدار باشد.

عزیزی بر ضرورت هم‌افزایی ظرفیت‌ها و پرهیز حرکت‌های فردی تاکید و خاطرنشان کرد: ما به عنوان نمایندگان مجلس باید درخواست‌ها و نظرات وکلا را در تدوین قوانین مورد توجه قرار دهیم.

وی با تاکید بر اینکه «حق محور و عدالت محور بودن» باید از جمله ویژگی‌های وکلا اعم از وکلای مجلس و وکلای دادگستری باشد، تصریح کرد: مسئولیت‌پذیر و ظلم ستیز بودن نیز از جمله ویژگی‌هایی است که باید وکلا داشته باشند. نماینده شیراز و زرقان در مجلس شورای اسلامی، کاهش آسیب‌ها را در گرو تعامل و هم‌افزایی همه دستگاه و ظرفیت‌ها عنوان کرد و گفت: رسیدن به قوانین مترقی و به روز را باید به عنوان یک نیاز جدی دنبال کنیم.

عزیزی با تاکید بر اینکه مجلس هرآنچه که با حق، عدالت، امنیت و پویایی کار وکالت باشد را مورد حمایت قرار می دهد؛ گفت: اعتقاد داریم که وکالت باید به شکل حرفه ای و تخصصی راه خود را ادامه دهد و حامی این امر مهم هستیم.

می شود در مجلس از دانش آنها برای پیگیری حقوق ملت استفاده شود؛ اظهارداشت: مجلس باید قوانینی تصویب کند که در آنها حقوق ملت پیگیری و استیفا شود.

رییس فراکسیون سازمان‌های مردم‌نهاد مجلس با اذعان بر اینکه وکلا و نمایندگان مجلس در معرض بسیاری از تهدیدها و مخاطرات بخصوص در هنگام بررسی پرونده‌های خاص قرار دارند، بیان داشت: متأسفانه در برخی محاکم به متهم القا می شود که اگر وکیل بگیرد کارش در نزد قاضی سخت تر می شود و این کار، کار درستی نیست و باید با آن مقابله شود.

رییس کمیته حقوق بشر مجلس شورای اسلامی با اشاره به اینکه در بحث حمایت از وکلا قوانینی وجود دارد؛ اما از هر طریقی برای تدوین قوانینی حمایتی بیشتر استقبال می‌کنیم؛ ابرازداشت: برخی مشاغل به دلیل حساس بودن شان در معرض آسیب هستند و باید از سوی مجلس و دیگر قوا مورد حمایت قرار بگیرند.

الهیان در ادامه با بیان اینکه آسیب وکلا در ابعاد جسمی، روحی، روانی و حتا آبرو و اعتبار ممکن است ظهور و بروز کند؛ بیان داشت: ما آماده ایم از ظرفیت کانون وکلا، هم برای تامین حقوق ملت و هم برای حمایت از وکلا استفاده کنیم.

● دستیابی به جامعه سالم و رشد یافته در گرو توجه به دو اصل حفظ امانت و عدالت قرارداد دارد



دکتر ابراهیم عزیزی

نماینده شیراز و زرقان در مجلس شورای اسلامی

در بخش دیگری از این همایش ضمن بالا ارزیابی کردن جایگاه و شأن وکیل در نظام اسلامی، دکتر ابراهیم عزیزی ابرازداشت: وکالت در نظام سیاسی مبتنی بر دین، سرشار از معنویت و احترام به مقدسات است.

● تحقق حکمرانی مردم پایه منوط به استفاده از ظرفیت‌های تخصصی همچون کانون وکلاست



دکتر زهره الهیان

نماینده تهران در مجلس شورای اسلامی

ایشان طی سخنانی تحقق حکمرانی مردم پایه در کشور را منوط به استفاده از ظرفیت‌های تخصصی ملت دانست و گفت: کانون‌های وکلا یکی از همان ظرفیت‌های تخصصی است که باید مورد توجه قرار بگیرد. وی با بیان اینکه نگاه تخصصی و تسلط وکلا به قوانین باعث

نشست های تخصصی

آسیب شناسی مخاطرات وکلای دادگستری از منظر سیاست تقنینی و قضایی



دکتر مهدی هوشبار

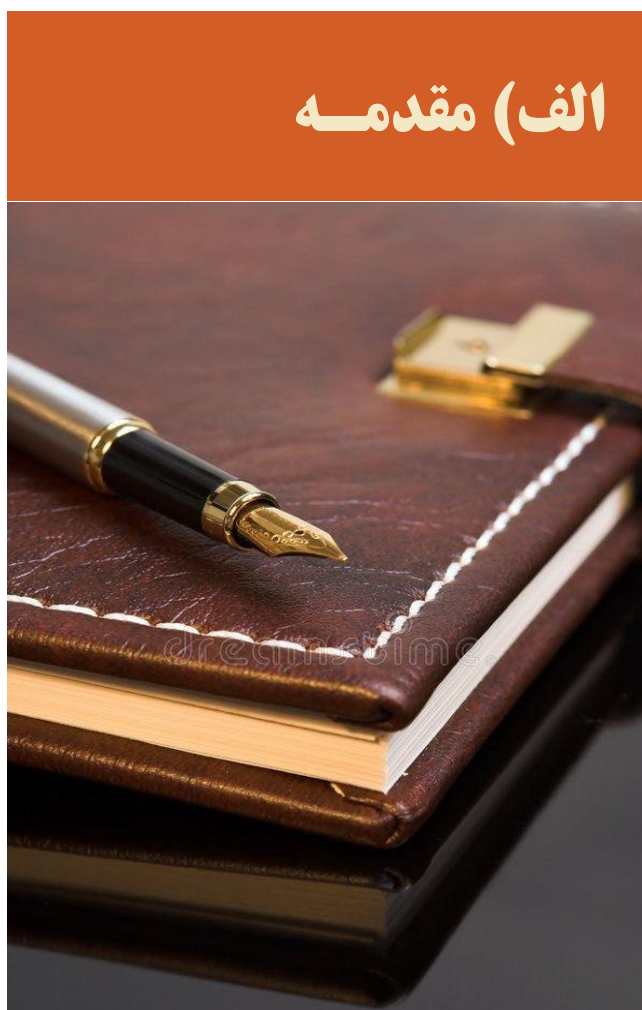
وکیل دادگستری و عضو هیات مدیره کانون وکلای دادگستری فارس و کهگیلویه و بویراحمد

به طور کلی مخاطراتی که وکیل دادگستری با آن مواجه می شود را می توان به دو دسته تقسیم کرد: یکی مخاطرات رویه ای؛ به این معنا که وکیل حین انجام وظیفه یا به سبب آن با آسیب هایی مواجه می گردد و دیگری مخاطرات قانونی یا مبتنی بر متن؛ به این معنا که گاهی رویکرد خود قانونگذار عامل ایجاد خطر محسوب می شود. از دیدگاه استاد بهمن کشاورز، آسیب های مربوط به نهاد وکالت و وکلای دادگستری را می توان به پنج نوع تقسیم کرد: ۱- آسیب های ناشی از عملکرد و گفتن حاکمیت ۲- آسیب های ناشی از دادگاه ها ۳- آسیب های نشأت گرفته از موکل ۴- آسیب های مربوط به اجتماع و مردم ۵- آسیب های مربوط به طبع وکالت.

به اعتقاد اینجانب، آسیب نخست، مبنا و منشاء ظهور و بروز آسیب های چهارگانه بعدی می باشد. جمع امروز ما ضرورت حمایت حقوقی از وکلای در معرض خطر را انتظار دارد در حالی که با تحلیلی که در ادامه خواهیم داشت مشخص می گردد که سیاست تقنینی ما رویکرد حمایتی از نهاد وکالت و وکلای مستقل دادگستری نداشته بلکه خود، خطر زیربنایی تلقی می گردد. جدال و رقابت مبارزه گونه بیش از هفتاد سال کانون های وکلا برای حفظ استقلال و ارتقاء جایگاه نهاد وکالت از یک سو و اقدامات تحدیدی حاکمیت برای تضعیف کانون ها، مؤید آن است که نه تنها اقدامات حمایتی از بزرگترین سازمان مردم نهاد در کشور صورت نگرفته بلکه همواره در معرض خطر قرار داشته است.

آسیب شناسی مخاطراتی که نهاد وکالت و وکلای دادگستری با آنها مواجه بوده و هستند را می توان از جهات و زوایای مختلف مورد بحث و تحلیل قرار داد. به طور کلی مخاطرات یاد شده را می توان از دو منظر تحلیل گفتمان قانونی - قضایی و تحلیل ساختاری مورد بررسی قرار داد که در ادامه به آن می پردازیم.

الف) مقدمه



ب) آسیب‌شناسی رویکرد تقنینی به نهاد وکالت و وکیل دادگستری از منظر تحلیل گفتمان

ببینیم گفتمان حاکم بر ساختار رسمی تصمیم‌گیری در مورد نهاد وکالت چیست؟ به طور معمول در ارزیابی‌های محققانه، پژوهشگر یک فرضیه راهبردی جهت سنجش و بررسی پرسش تحقیق ارائه می‌کند؛ اما در مورد نهاد وکالت با توجه به سوابق و رویه‌های شکل گرفته در بستر زمان می‌توان از یک قضایای قطعی سخن گفت و در واقع به جای ارزیابی و سنجش فرضیه‌ها، نتایج را مورد تحلیل قرار داد. گفتمان هژمونیک شده بر ساختار رسمی تصمیم‌گیری آن است که حاکمیت، نهاد وکالت را بر اساس گفتمان مورد قبول خود تعریف و به عبارتی، برمی‌سازد نه بر اساس رسالت و وظیفه ذاتی که بر عهده این نهاد قرار گرفته است. هدف از وضع اصطلاح «گفتمان انتقادی»، آشکار کردن روابط قدرت پنهان و فرایندهای ایدئولوژیکی موجود در متون زبانی است. به دیگر بیان، زبان یا متن و در اینجا قانون، مورد بحث ما، تجلی روابط سلطه و قدرت است. اکثر تحلیلگران گفتمان انتقادی این ادعای هابرماس را تأیید می‌کنند که: «زبان همچنین وسیله سلطه اجتماعی است و در خدمت مشروعیت بخشی به روابط قدرت سازماندهی شده است». لذا مطالعه گفتمان تقنینی به نوعی تبیین‌کننده روابط قدرت و ایدئولوژی حاکم بر افکار و باورهای بنیادین در ارتباط با نهاد وکالت است.

برای اثبات این فرضیه - که البته عرض کردم اثبات گردیده است - مثال‌هایی برای تحلیل گفتمان قانونی در ارتباط با وکیل و نهاد وکالت را مورد بررسی قرار می‌دهیم:

(۱) به موجب تبصره ماده ۱۲۸ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸: «در موارد که موضوع جنبه محرمانه دارد یا حضور غیر متهم به تشخیص قاضی موجب فساد گردد و همچنین در جرایم علیه امنیت کشور، حضور وکیل در مرحله تحقیق با اجازه دادگاه خواهد بود».

ملاحظه می‌کنیم که مقنن از وکیل به عنوان عامل ایجاد فساد در نظام قضایی یاد کرده و آن را مستمسکی برای منع مداخله در مرحله تحقیق دانسته است. این متن کجا گنجانده شده؟ در قانونی که مشعر بر رعایت تشریفات دادرسی عادلانه است! در ابتدا شاید به ذهن متبادر شود که ادبیات نگارشی قانون ایراد داشته است اما زمانی که بیش از پانزده سال این قانون علی‌رغم تمام انتقادات و ایرادهایی که از سوی حقوقدانان به آن وارد گردید، اجرا شد و از این رو، مشخص می‌گردد که رویکرد و نوع تفکری که در ارتباط با وکیل وجود دارد پشتوانه تدوین چنین متنی بوده است. حال آیا می‌توان انتظار داشت که تصمیم‌گیران و کنشگران



از منظر رویکرد تقنینی به نهاد وکالت و وکلای دادگستری، موضوع را می‌توان با یک تحلیل علمی تحت عنوان گفتمان‌شناسی یا تحلیل گفتمان یا تحلیل کلام مورد بررسی قرار داد. تحلیل گفتمان (Discourse analysis) اصطلاح کلی برای رویکردی است که زبان گفتاری یا نوشتاری یا نشانه‌ای را مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد و از زیر شاخه‌های علم زبان‌شناسی است که به نحوه‌ی باز تولید قدرت اجتماعی و سیاسی به وسیله متن و گفتگو تأکید می‌کند.

از جمله زیر شاخه‌های گفتمان‌شناسی، تحلیل گفتمان انتقادی است؛ به این معنا که ما باید آن دسته از شیوه‌های درک جهان از جمله درک خودمان را که بدیهی تلقی کرده‌ایم به دیده انتقادی بنگریم و از این منظر باید



انتقادی به آن نگرست، قانون تسهیل مجوزهای کسب و کار است. یکی از ایرادهای اساسی حقوقدانها و وکلا در زمان طرح این موضوع در مجلس آن بود که اساساً قرار گرفتن حرفه تخصصی وکالت ذیل این طرح، فاقد وجهت است.

صرف نظر از پیامدهای نامطلوب این قانون که اکنون آشکار گردیده و در آینده نیز گریبان گیر قانون وکلا، دستگاه قضایی و به طور کلی مردم خواهد شد، به خوبی می‌توان روند تسهیل گری و سوداگری در امر وکالت را از گفتمان تقنینی برداشت کرد. اگر امروز اعتراض برخی پذیرفته شدگان آزمون وکالت بر مبنای قانون تسهیل را مشاهده می‌کنیم یک دلیل آن این است که می‌گویند قانون تسهیل تصویب شد تا موانع را بردارد و در امر کارآموزی و صدور پروانه وکالت، تسهیل ایجاد کند و لذا کیفی‌سازی امر آموزش و کارآموزی که همواره از افتخارات و رسالت اصلی کانون‌های وکلا بوده و ارتباط مستقیم با حقوق مردم دارد با همین واژه‌های «تسهیل و کسب و کار» به محاق رفت.

دستگاه قضایی یا رسانه‌ها با ادبیات درخور شأن وکیل با وی رفتار نمایند؛ زمانی که قانونگذار با این عبارات وکیل را مورد خطاب قرار داده است؟ در هر قشری آسیب‌ها و انحراف‌های شغلی و حرفه‌ای وجود دارد، کما اینکه در صنف پزشکی یا کارشناسان و غیره نیز چنین احتمالی وجود دارد یا در خود مجموعه قوه قضاییه نیز انحراف‌هایی حتی در سطح کلان بروز کرده است. آیا این موارد می‌تواند مستمسک قانونگذار برای تلقی فساد کلی و به کار بردن چنین ادبیاتی باشد؟

۲) مطابق تبصره ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و الحاقات سال ۹۴: «در جرایم علیه امنیت داخلی یا خارجی و همچنین جرایم سازمان یافته که مجازات آنها مشمول ماده ۳۰۲ این قانون است، در مرحله تحقیقات مقدماتی طرفین دعوی، وکیل یا وکلای خود را از بین وکلای رسمی دادگستری که مورد تأیید رئیس قوه قضاییه باشد، انتخاب می‌نمایند...».

تقسیم وکلا به خودی / غیر خودی، محرم / غیر محرم، وکیل مورد تأیید و وکیل غیر تأییدی از دیگر دستاوردهای قانونی در ارتباط با وکیل دادگستری است. دادرسی عادلانه حق همه شهروندان است و از مظاهر برخورداری از دادرسی عادلانه، دخالت وکیل مستقل با معیارهای پذیرفته شده بین‌المللی در دعاوی است.

اما این تبصره اولاً، حق آزادی شهروندان در انتخاب وکیل را نقض نمود. ثانیاً، اعتماد عمومی به بی‌طرفی دستگاه قضایی شدیداً مخدوش گردید و شائبه خروج از بی‌طرفی را برای دستگاه قضایی به دنبال دارد. ثالثاً، احتمال فساد مالی میان وکلای مورد تأیید رئیس قوه با طرفین دعوا را بیشتر نموده و به نوعی وکالت انحصاری ایجاد نموده است. رابعاً، موجب ایجاد نگرش بدبینانه به دستگاه قضایی شده و تصوراتی مبنی بر ایجاد وکیل وابسته به حاکمیت به وجود آورده است، آن هم در کشوری که رسیدگی‌ها بر مبنای قضای اسلامی استوار گردیده است. مرحوم هاشم وکیل از معمران و پیشکسوتان کانون وکلا، پس از استقلال کانون این جمله معروف را بیان نمودند که «استقلال کانون، امر صنفی نیست بلکه ملی است».

اما گفتمان تقنینی در جهت سلب استقلال وکیل و آزادی شهروندان در انتخاب وکیل مستقل دادگستری، مغایر با منافع ملی نیز محسوب می‌شود، آن هم در جرایم علیه امنیت که بیشترین اهمیت را دارد. اینجاست که روابط قدرت پنهان و فرایندهای ایدئولوژیکی موجود در متون قانونی آشکار می‌گردد که ما از آن به گفتمان هژمونیک شده یاد کردیم. ۳) از دیگر مواردی که در ارتباط با نهاد وکالت و وکیل دادگستری می‌توان از منظر گفتمان

پ) آسیب شناسی مخاطرات ساختاری ایجاد شده در ارتباط با نهاد وکالت و وکیل دادگستری

نهاد دفاع چه اصولی باید مورد توجه قرار گیرد و این نهاد در ساختار سیاسی جامعه چه جایگاهی باید داشته باشد، موضوع بنیادی و اصولی است که همواره مورد نظر جامعه حقوقی بوده اساساً بر پایه این اصول و ارزش‌هاست که این نهاد شکل گرفته و سازماندهی می‌شود.

اصولی از جمله عدالت خواهی و عدالت محوری، توازن در قدرت، حمایت از حقوق شهروندی به ویژه در قبال قدرت حاکمیت و استقلال نهاد دفاع از زمره بنیادهای حاکم بر ساختار نهاد وکالت است. از مهمترین جلوه‌های ضروری استقلال کانون‌های وکلا یکی ارتباط با آن با نهاد دفاع و حفظ حقوق شهروندی بوده و دیگری از حیث خود انتظام و خودگردان بودن کانون‌های وکلاست. بدیهی است این به معنای نفی نظارت قانونی و اصولی بر کانون‌های وکلا نبوده، بلکه دغدغه اصلی آن است که مبادا به اسم نظارت و در زورق آن، در کارکرد اصلی کانون‌های وکلا دخالت صورت گیرد. از جمله جلوه‌های نقض استقلال کانون‌های وکلا به عنوان مصادیق مخاطرات ساختاری می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود که خود انتظام بودن کانون‌های وکلا را مخدوش نموده است:

۱) علیرغم آنکه قسمت اخیر بند ب ماده ۶ لایحه استقلال، نظارت بر اعمال وکلا و کارگشایان را وظیفه کانون می‌داند، ظرفیت‌های قانونی اعمال نظارت قوه قضاییه در «قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت دادگستری مصوب ۱۳۷۶» و «لایحه استقلال کانون وکلا» در موارد متعددی پیش بینی شده است. از جمله می‌توان به رسیدگی به صلاحیت داوطلبان عضویت در هیأت مدیره کانون وکلا توسط دادگاه عالی انتظامی قضات (موضوع تبصره ۱ ماده ۵ قانون کیفیت)، تعیین محدوده هر کانون وکلا به پیشنهاد وزیر دادگستری و تصویب رئیس قوه قضاییه (موضوع تبصره ۲ ماده ۶ قانون کیفیت)، امکان اعلام تخلف وکلا از سوی دادستان‌ها و روسای دادگستری شهرستان‌ها و استان‌ها (موضوع ماده ۱۵ لایحه استقلال)، امکان تقاضای تعقیب انتظامی وکلا از سوی رئیس قوه قضاییه (موضوع ماده ۱۶ لایحه استقلال)، امکان تقاضای تعلیق وکلا از سوی رئیس قوه قضاییه (موضوع ماده ۱۸ لایحه استقلال) امکان تعقیب اعضای هیأت مدیره کانون‌ها و دادستان‌های انتظامی و دادرسان دادگاه‌های انتظامی کانون‌ها توسط دادستان کل کشور و رسیدگی به تخلفات آن‌ها توسط دادگاه عالی انتظامی قضات (موضوع ماده ۲۱ لایحه استقلال کانون وکلا)، مسئولیت قوه قضاییه در اجرای قانون لایحه استقلال کانون وکلا (موضوع ماده ۲۶ لایحه مذکور) اشاره نمود.

با وجود تمام ظرفیت‌های مذکور که برخی آشکارا ناقض استقلال کانون‌های وکلا است، از جمله اینکه در سال ۷۶ با



منظور از مخاطرات ساختاری آن است که تحدید کانون وکلا و وکلای مستقل دادگستری و هجسه بر آن به یک فرهنگ یا نهاد تبدیل شده است. اساساً سازمان‌های مردم نهاد برای پاسخ به نیازهای جامعه شکل گرفته و ایجاد می‌شوند و این نیازها به تدریج تعریف شده، سازماندهی و هدفمند می‌شوند و آنگاه در قالب یک نهاد اجتماعی در جامعه ظهور پیدا می‌کند. نهاد دفاع که سابقه تاریخی آن مقارن با شکل‌گیری تمدن بشری است نیز ریشه در یک نیاز بزرگ جامعه بشری دارد. اینکه در شکل‌گیری

وضع قانون کیفیت اخذ پروانه، بررسی صلاحیت وکلای تأیید شده برای وکالت، که متقاضی عضویت در هیات مدیره هستند را به دادگاه عالی انتظامی قضات محول نمود و چون قانون بوده علی رغم نقد، توسط وکلا تمکین شده است، اما تشکیل « اداره کل نظارت بر وکلای دادگستری در معاونت حقوقی قوه قضاییه» از موارد گسترش دخالت قوه قضاییه در امور کانون ها، بنام نظارت بود. پیش بینی اداره نظارت بر وکلا بر خلاف نص لایحه قانونی استقلال نهاد وکالت است. لایحه قانونی استقلال یک قانون ماهوی است که متضمن وضع قواعد ماهیتی راجع به تشکیلات وکالت در دادگستری می باشد، در همین لایحه شیوه تنظیم و تصویب آیین کار لایحه موصوف پیش بینی و بر اساس آن آیین نامه، تدوین و ملاک عمل می باشد. زمانی که سازوکارهای نظارتی بر وکلای دادگستری در قانون پیش بینی شده است، معلوم نیست که تشکیل اداره نظارت بر وکلای دادگستری چرا و با چه مبنایی صورت گرفته است؟

۲- جنبه دیگر استقلال کانون های وکلا، استقلال از نظر مالی در کسب عواید و صرف مخارج کانون وکلا است و به این شکل نمود پیدا می کند که درآمد و هزینه های مربوط به آن از طریق وکلای عضو کانون وکلا تأمین گردد و ردیفی در برنامه بودجه کشور برای آن در نظر گرفته نشود تا از این طریق دست سایر قوا برای اعمال نفوذ و فشار بر کانون و در هم شکستن استقلال آن باز گردد. استقلال مالی حتی زمانی که کانون وکلا موسسه ملی و غیر منفک از سایر قوا و تابع وزارت دادگستری بوده و به هیچ یک از قوا یا هیچ نهاد یا ارگانی وابسته نبوده است، مورد نظر قانونگذار بوده است. مطابق ماده ۱۷ قانون وکالت مصوب ۱۳۱۴ مقرر شده بود که: «کانون وکلا موسسه ای است ملی و دارای شخصیت حقوقی که از حیث نظامات تابع وزارت عدلیه و از نظر عواید و مخارج مستقل می باشد».

اخیراً طرحی در مجلس با عنوان طرح تحقیق و تفحص از کانون های وکلا به تصویب رسیده است که مغایرت آشکار با منع مداخله در اداره امور کانون ها از حیث مسائل مالی دارد. بر همگان آشکار است که این طرح در واقع برای اعمال نفوذ و فشار بر کانون هاست؛ کما اینکه برخی نمایندگان محترم مجلس بیان نموده اند که بهترین ابزار اعمال فشار بر کانون های وکلا برای اجرای قانون تسهیل مجوزهای کسب و کار، تصویب طرح تحقیق و تفحص از کانون های وکلاست. این بهانه نیز فاقد توجیه منطقی است چرا که کانون های وکلا همواره خود را مقید به اجرای قانون می دانند ولو آنکه از نظر ماهوی و پیامدهای نامطلوبی که بر جای خواهد گذاشت، منتقد آن باشند. لذا این بهانه و بهانه های دیگر، از قبیل آنکه کانون های وکلا مستقل هستند و از این استقلال سوء استفاده مالی می کنند نمی تواند دستاویزی برای تصویب طرح های نسنجیده و غیر کارشناسی باشد.

برآمد

با توجه به تحلیل سیاست تقنینی در ارتباط با نهاد وکالت و وکلای دادگستری و سیاست قضایی که تابعی محض از رویکرد قانونی به موضوع می باشد نمی توان به راحتی چشم به روی مخاطرات زیربنایی ایجاد شده به شرح پیش گفته فرو بست و انتظار داشت در روبه قضایی آنگونه که شایسته شأن وکیل دادگستری است با وی رفتار شود. متعاقب این پیام نامطلوب صادره از سوی مرجع رسمی واضع قانون، نمی توان انتظاری از رسانه ها و مردم داشت که جایگاه وکیل دادگستری را بر اساس رسالتی که بر عهده گرفته است شناسایی کرده و مورد احترام قرار دهند. لذا تا زمانی که گفتمان و سیاست قانونگذار که تجلی روابط سلطه، قدرت و تبعیض در ارتباط با نهاد وکالت و وکیل دادگستری بوده، تغییر پیدا نکند، وجود هر مصوبه ای حمایت واقعی از وکلای دادگستری به ویژه وکلای در معرض خطر را به دنبال نخواهد داشت. لازمه برخورداری از دادرسی منصفانه و به ثمر نشستن حق دادخواهی و دفاع، وجود وکلای مستقل است که استقلال آن در صورتی معنا و مفهوم می یابد که اولاً، صنف متعلق به او دارای استقلال و از سایر قوا منفک باشد ثانیاً، با مقررات و نظامات روشن بتواند برای دفاع از حقوق موکل خویش در برابر هر شخص اعم از حقیقی و حقوقی در چارچوب مقررات با آزادی و جسارت تمام به پا خیزد و هیچ ترس و واهمه ای از قبیل ابطال پروانه وکالتی، محرومیت از وکالت، عدم تمدید پروانه، احضار و غیره نداشته باشد. این موارد، مخاطرات اصلی است و تا زمانی که دفع نشود نمی توان انتظار پیشگیری از آسیب ها و مخاطرات رویه ای را داشت.



وکيل خطر خيز و پرسش مبنای "چه چیزی و چگونه باید حمایت شود؟!"

دکتر محمد صالح نقره کار

وکيل دادگستری و دبیر کارگروه حقوق بشر اسکودا

امروز ما با مخاطرات جدی فراروی وکلای دادگستری مواجهیم. خطراتی که جان و سلامت و شغل و آزادی آنها را تهدید می کند. این خطرات به واسطه کوشش آنها برای دفاع از حکومت قانون و ارزش های مردم سالار، پشتیبانی از حقوق بشر و شهروندی و فساد ستیزی حول محور خیر عمومی و منافع همگانی ظهور و بروز می یابد. در گذشته وکلا بیش تر درگیر دفاع از حقوق خصوصی مردم بودند و امروز نقش جدیدی در حوزه حقوق عمومی برای خود قائل هستند. دفاع از حقوق بشر و آزادی های بنیادین و مطالبه گری ارزش های حکمرانی خوب و ضدیت با فساد نقشی است که ذاتا چالش افزین و تعارض بردار است. اینجاست که باید گفت وکلای در معرض خطر (پیدا و پنهان)، بیش از سخنرانی و همایش، به عزم و عمل حمایت گرانه نیاز دارند. بقول سعدی "تا خرمن نرسوزد تشویش ما ندانی!"... همکاران ما هم اکنون که با هم سخن می گویم در معرض مصائب هنجاری و ساختاری و رفتاری متعددی هستیم که باید تدبیر عاجل شود. بیست نکته را با شما - که بیش از این همکار کمترین، مشرف به اهمیت و زوایای وضعیت وکلای در معرض خطر هستید - به اشتراک می گذارم:

• عمدتاً در مسائلی که قرار نیست هیچ کاری انجام شود با گزاره معترضه و آشنای "خلاء قانونی داریم" مواجه می شویم و لاجرم توپ در زمین حاکمیت تقنینی می افتد که مگر برود و قانون گذاری موکد و مشدد نماید. همکاران گرامی! تراکم قوانین مشکل گشا نیست. ما در زمینه حمایت از وکلا بی قانون نیستیم. اینکه کنار فصل جرایم علیه اشخاص، جرایم علیه اصناف وضع کنیم یا خودمان را تافته جدا بافته بدانیم که باید مورد عنایت تقنینی خاص قرار گیریم تحلیل ناروایی است. فردا هر صنفی محتمل است صف بکشد و مخاطرات فهرست کند و انتظار حمایت داشته باشد. قدرت و جامعه باید از همه حمایت کنند. بی تبعیض و بی استثناء.

• امروز ما با مفهوم مدرن "امنیت انسانی" مواجهیم. گزاره ای که تضمین آن در سرپرده امنیت قضایی با همه ملزومات آن ذیل کلید واژه *judicial security* تعریف می شود. کتاب ارزنده "احترام" نوشته ریچارد سنت خصلت جامعه جدید را احترام انگیزی می داند که ضمن یک رویکرد حق محور به زیستن اجتماعی، در هر طبقه و با هر جایگاه صنفی می خواهد محترم شمرده شود. جهان امروز جهان حق ها و احترام هاست. تعریف امروزی امنیت، فقط امنیت قدرت و کارگزاران قدرت نیست. ببینید این دو هفته در فرانسه برای کشتن یک شهروند توسط پلیس چه غوغایی می شود. جامعه

امروز فراتر از شغلش احترام می خواهد . حق بر امنیت انسانی می خواهد . وکیل به تبعیض مثبت نیاز ندارد . او پلیس یا کارمند دولت نیست که حین انجام وظیفه عمومی اگر متاثر از فعلی شد دست قدرت هواداریش کند. او وکیل شهروند است. در یک رابطه خصوصی اما با یک مقیاس از خدمت عمومی و اجتماعی.

۳. هر هفته وکلای زیادی -خاموش یا خبری- قربانی مخاطرات می شوند. تحلیل رفتاری علیه وکلا محتاج یک آزمایشگاه پاتولوژی - آسیب شناسی است. برای اینکه کلی گویی نکنیم به نگاه مساله محور نیاز مبرم داریم. برای درمان باید درد را شناخت . درد چیست. نا امنی صنفی و فراتر از آن نا امنی شهروندی .

ما با جامعه ای مواجهیم که خشونت و جرم و ضرب و شتم و نقض حق ها در غیاب احساس آرامش پر بسامد است. حجم پرونده های دادگستری با نگاهی به جغرافیای جرم و تکرر آن خود سند است. در نظام واره حقوق اساسی ایمنی شهروندان در برابر هر یک از خطرات و ریسک ها در حوزه عمومی و شغلی و شخصی و خانوایی ، یک حق بنیادین تلقی و امروز محور شاخصهای توسعه و رفاه اجتماعی است. از ریسک های ناشی از حوادث و خطرات حین کار تا دفاع قدرت از شهروندان در برابر کووید تا آثار زیانبار تخریب منابع طبیعی و محیط زیست و گازهای گل خانه ای و تغییرات اقلیمی و بحران آب همه امنیت است.وضع ما در هر یک با معیار شاخص های جهانی چگونه است!؟

۴. علت درد نا امنی و پر ریسکی وکلا سه منشا دارد:

اول حکمرانی دوم مردمان سوم خود صنفی مان؛ در هر یک چالش ها و فرصت هایی داریم که قابل تامل است.برای هر یک باید نسخه ای پیچید و طرحی در انداخت.

عدم استقلال کانون های وکلا، مصونیت از مجازات عاملان تهدید و حملات به وکلا؛ نارسایی دسترسی به موقع حفاظت موثر؛ اقدامات ناکافی برای حمایت از حقوق و رفع تخلفات؛ اختلالات دسترسی به قوه قضائیه مستقل جهت تضمین کار آمد حق ها ، افشای بی پیرایه خطرات و تهدیداتی که وکلا ممکن است با آن مواجه شوند ، سوء تفاهم افکار عمومی و رسانه ای نسبت به چهره وکیل و مرزبندی وکیل با کارچاق کن یا عنصر رابطه انداز جا بینداز یا جانمایی وکیل در تداعی یکی از اصحاب دعوا و کشاندن دعوا به زیست شخصی و شغلی وکیل ، نارسایی خود آگاهی صنفی و منقصت خود انتظامی کانون ها ، همگی سرفصل های قابل توجه است.

۵. آنچه ما کم داریم اختلال ارتباطی در دو ساحت گفتمان اجتماعی و کنش اثربخش است. ما باید بخشی با جامعه سخن بگوییم . تئوری " دست واحد" یک راه حل است. ما باید منسجم باشیم تا پیامد هر تعرض به وکیلی را با صدای رسا به جامعه تفهیم کنیم.بدنه وکلا نباید از هیات مدیره ها و کانون ها جدا باشد.بازتاب هم بستگی ما وکلا و هیات مدیره ها پر هزینه کردن خطر سازی برای وکیل است. جمعیت غیر متشکل وکلا جزیره ای کم فروغ با یک چراغ کورسوی رقابت انتخاباتی صرف خواهد ساخت که مستعد تعرض است و اه شبگیری از آن بلند نمی شود.

۶. جامعه وکلا ،بازتاب سپهرعمومی کلنگی و جامعه مدنی ضعیف هستند. باید قوی شویم و توسعه دموکراتیک کانون های وکلا یعنی توانمند سازی جامعه مدنی. پیشاهنگی و پیشقراولی وکلای دادگستری به توان بخشی و فرگشت نهادهای مدنی خواهد انجامید و ما به این خصلت نیاز داریم.امروز جامعه حقوقی (law society) مخاطب پیام و پیامدهای وکلای در معرض خطرند. جامعه حقوقی گروه هدف ماست . یعنی اساتید دانشگاه و قضات و دادستان ها و سر دفتران و صف و ستاد قوه قضا و ضابطین هم جملگی باید با ما وکلا هم راه و همدست باشند.

۷. فارغ از مبانی نظری نیستیم.دولت و قانون در سه دهه اخیر دچار تحول مبنایی شدند . خوانش های متفاوت و دگرش ارزشی پیدا کردند.دوگانه قانون -نظم عمومی مبدل به قانون - خیر عمومی

شده است. اندیشه من فکر می کنم پس هستیم. مبدل به من آزادی دارم و حق دارم پس هستیم شده است. این اندیشه بازتابی در حکمرانی خوب و نظریه دولت داشته است. وکیل در کشاکش این دوگانه ها وکیل مردم است و سوگیری به شهروندان دارد. پس در برابر نقض حق ها توسط حکمروایی آسیب پذیر تر شده است .

۸. وظایفی که وکلا در جریان فعالیت حرفه ای خود انجام می دهند مستلزم استقلال مطلق و عدم وجود هر گونه تأثیری بر آنها به عنوان یک حرفه حقوقی مستقل بوده و این نقش به افزایش اعتماد عمومی به حقوق کمک می کند. ان امر فارغ از عادلانه بودن سیستم قضایی و بی طرفی قضات نیست. در اجرای وظایف وکلا، حمایت های مناسبی برای هر وکیل ارائه می شود. این حفاظت در درجه اول مسئولیت دولت است. علاوه بر این، کانون های وکلای دادگستری که برای حمایت و استقلال تأسیس شده اند و یکپارچگی حرفه وکالت، همانطور که در استانداردهای بین المللی برجسته شده ، نقش خاصی را ایفا می کنند. اصول اساسی در مورد نقش وکلا هنوز "جامع ترین هنجار بین المللی" را تشکیل می دهد. چارچوب هنجاری با هدف حفاظت از حق دسترسی به کمک حقوقی، استقلال حقوقی حرفه و عملکرد مستقل حرفه وکالت و آزادی و امنیت وکلا.

۹. علاوه بر این، وکلا باید به استانداردهای حرفه ای و اخلاقی احترام بگذارند و رعایت کنند. استقلال، شرف و حیثیت حرفه خود را حفظ کرده و همواره با پشتکار و صدق عمل کنند. صدایی که جامعه از ما وکلا می شوند نه تسهیل گری فساد بلکه تقابل با فساد باشد. این امر به حفاظت از وکیل و انجام مأموریت حرفه ای به صورت مستقل و مؤثر کمک می کند. الزام به ایجاد شریطی که تحت آن وکلا قادر به انجام وظایف حرفه ای خود باشند، بخشی از تعهدات دولت برای اطمینان از دسترسی به کمک حقوقی و حمایت از حقوق بشر است. همانطور که وکلا به تعهدات دولت ها عمل می کنند در ارائه کمک های حقوقی، دولت ها نیز به نوبه خود موظفند امنیت وکلا را تضمین و تحکیم کنند. کشورها باید ایجاد شریطی که به وکلا اجازه می دهد آزادانه، مستقل و حرفه ای وظایف وکالتی خود را انجام دهند را تمشیت کنند.

۱۰. سازماندهی حرفه وکالت به عنوان مستقل و خودگردان برای اطمینان از کار توانمند با تضمین آزادی های فردی وکلا یک تجلی اعمال حاکمیت است. هسته اصلی وظیفه دولت برای حمایت از وکلا، تضمین هایی است که وکلا را قادر می سازد با تکیه بدان خدمات حقوقی ارائه دهند. ترس از تلافی یا دخالت یا انتقام یا تعقیب مراجع عمومی بخاطر نشر اکاذیب یا توهین به مقامات یا تبلیغ علیه نظام همگی عناوینی است که به نازوا ممکن است وکیل را از شخصیت اثرگذار به منفعل و صامت بدل کند.

۱۱. ما به قدر متیقن های بین المللی نیاز داریم تا شاخص های داخلی را با ان بسنجیم. همین هفته جاری ارگان حقوق بشری اتحادیه بین المللی وکلا (IBA - HIR) به عنوان معتبرترین نهاد حقوق بشری در سازمان بین المللی غیر دولتی حرفه وکالت بیانیه ای صادر کرد و کشتار هدفمند وکلا در درگیری های سودان را مورد اعتراض قرار داد . وکیلی که تخلفات علیه او ارگان دارفور را تعقیب می کرد و کمیسر کمک های بشر دوستانه در شریطی به قتل می رسند که برای دفاع از حقوق دیگران قربانی شده بودند. می بینیم که با مساله جهانی مواجهیم . رهنمودهای جهانی شامل گزارش شورای حقوق بشر (HRC)، "تذکراهای گزارشگر ویژه در مورد استقلال قضات و وکلا" (۲۰۱۷) ، اعلامیه سازمان ملل متحد در مورد مدافعان حقوق بشر (۱۹۹۸)، اصول و رهنمودهای



سازمان ملل در مورد دسترسی به کمک های حقوقی در سیستم های عدالت کیفری (۲۰۱۲) توصیه ۲۱ شورای اروپا از کمیته وزیران به کشورهای عضو در مورد آزادی انجام حرفه وکالت (۲۰۰۰)، کمیسیون آفریقایی اصول و رهنمودهای حقوق بشر و حقوق مردم در مورد حق محاکمه عادلانه و کمک حقوقی در آفریقا (۲۰۰۳)، اعلامیه کمیته وزیران در مورد اقدام شورای اروپا برای بهبود حمایت از مدافعان حقوق بشر و ارتقاء فعالیت های آنها (۲۰۰۸)، دستورالعمل های اتحادیه اروپا در مورد مدافعان حقوق بشر (۲۰۰۸)، دستورالعمل های سازمان امنیت و همکاری اروپا در مورد حمایت از مدافعان حقوق بشر (۲۰۱۴)، اعلامیه کوتونو در مورد تقویت و گسترش حمایت از همه مدافعان حقوق بشر در آفریقا (۲۰۱۷)، اصول بین المللی رفتار برای حرفه های حقوقی ۲۰۱۱ (IBA) می تواند به ما برای فهم دقیق تر ادبیات موضع در نظام حقوقی ایرانی و ملی و بومی کمک کند.

- جایی که امنیت وکلا در نتیجه انجام وظایف آنها به خطر می افتد، جامعه و حکمرانی جملگی باید مکانیزم های حمایتی پیشینی، حین و پسینی را فعال نمایند. وکلا باید به اندازه کافی توسط مقامات عمومی محافظت شوند (مستفاد از اصول اساسی فعالیت وکلا مصوب هشتمین کنگره ملل متحد ۱۹۹۰، اصل ۱۷). اصول و رهنمودهای حق برخورداری از محاکمه عادلانه و کمک حقوقی بمثابة مقدمه واجب زمینه ساز توسعه حقوقی و قضایی است و مصداق اذن در شیئی اذن در لوازم آن است..

- در دوگانه " وکالت دادگستری حکمرانی - وکالت مردم در دادگستری " ما باید وکالت جامعی را تقویت کنیم. وکالت، نه شغلی برای تحقق اوامر حکمرانی که حرفه ای برای حکومت قانون بر مدار حق ها و آزادی ها تعریف می شود و برنامه وکلای در معرض خطر، از مدافعان حقوق بشری که در انجام وظایف حرفه ای خود دچار چالش می شوند حمایت می کند. تهدیدها، ارباب، اقدامات انضباطی، دستگیری، بازداشت و پیگرد خودسرانه، ناپدید شدن، آدم کشی نمونه های آشنایی هستند. ما به برنامه ریزی پیشگیرانه نیاز مندیم.

۱۲
۱۳

۱۴.

این برنامه می تواند با هدف:

- افزایش آگاهی از خطرات و چالش های مرتبط با وکالت
- برجسته سازی اهمیت یک حرفه حقوقی مستقل برای حکمرانی و جامعه
- تنظیم چک لیست آسیب پذیری سازمان حرفه وکالت و چک لیست آسیب پذیری وکلا
- تقویت همبستگی حرفه ای با همکاران داخل و خارج از کشور
- ارائه طریق عملی جهت افزایش ایمنی و امنیت وکلا در اجرای وظایفشان.
- افزایش آگاهی وکلا در مورد خطرات ناشی از وکالت و نیاز به ایجاد امنیت
- ارائه یک رویکرد گام به گام جهت تدابیر اثربخش در مواجهه با خطرات مقدر و مدیریت آنها
- راهنمایی در مورد پیشگیری، از جمله ارزیابی ریسک و مدیریت ریسک در روندهای مخاطره آمیز.
- راهنمایی در مورد دسترسی به مکانیسم های واکنش و حفاظت در سطح استانی و کشوری و منطقه ای و بین المللی.
- بررسی تطبیقی سطوح عملکردی سازمان های جهانی و وکلای بین المللی.
- حمایت از اقدامات مشترک بین سازمان هایی که از حقوقدانان در معرض خطر پشتیبانی می کنند.
- هشدار و تذکار به مسئولان اداری و قضایی و ضابطین در مورد نحوه حمایت از وکلای در وضعیت خطر
- ارسال نامه هایی به مقامات در موارد خاص، پشتیبانی از وکلا و کارهای اساسی و استراتژیک برای بهبود ایمنی وکلا
- ارائه گزارش های نوبه ای و فصلی به افکار عمومی، رسانه ها و نهادهای مدنی و مسئولان پیرامون رصد قوانین و رویه هایی را که استقلال حرفه وکالت را تهدید می کند و برای عملکرد مؤثر سیستم قضایی مضر است.
- معرفی گزارشگر ملی و محلی جهت تبیین و ارزیابی مشاهدات تا از وکلای در معرض خطر حمایت اثربخش صورت پذیرد.
- تدوین شده و راهکار عملی ارائه دهد. فقط با سخنرانی و گرد هم آیی چالش وکلای در معرض خطر حل نمی شود. راه عملی و اقدام جمعی و اجتماعی اثربخش لازم است.

۱۵.

باید سندی تنقیح کنیم که مقدمه ای بر روش های موجود در قبال تهدیدات امنیتی محتمل وکلا باشد. تمرکز بر پیشگیری از خطر در صورت مواجهه با اعمال عمدی و کاهش آسیب و تهدیدی که ممکن است ایجاد کند بستگی به مرحله ای دارد که تهدید در آن کشف شده است. در مرحله ای که وکیل تجزیه و تحلیل را انجام می دهد تشخیص زودهنگام یک تهدید از اهمیت ویژه ای برخوردار است. هر چه زودتر یک وکیل شروع به ارزیابی خطرات کند، تأثیر پیشگیری از خطر بیشتر خواهد بود. ما با شبکه ای از سازمان های غیردولتی، نهادهای رسمی و ضابطین و کانون های وکلا برای پیگیری مداخلات و تنظیم و سازمان مند همکاری ها نیاز داریم.

۱۶.

امکان سنجی و ردیابی مداخله حمایت گرانه و جمع آوری داده ها طی یک شبکه نظام مند در کمیته حمایت از وکلای در معرض خطر به ما کمک می کند تا روندهای ارعاب را تجزیه و تحلیل کنیم و گلوگاه هایی را شناسایی کنیم که استقلال حرفه حقوقی به ویژه در معرض تهدید است. گزارشگران ویژه نمایندگان کمیته مزبور خواهند بود که حتی می توانند در تهیه و ارائه یک طرح قانونی برای وکلای دادگستری به نمایندگان مجلس ارائه طریق نمایند.

به نیابت از وکلا و مدافعان حقوق بشر که در معرض خطر هستند صحبت می‌کند. تا با مساعی یکدیگر جشن جهانی تحقق دادرسی عادلانه در پناه امنیت همه دادخواهان را برگزار کنیم.

۱۹. اعمال فشار به وکیل برای توقف نمایندگی او در پرونده های امنیتی و سیاسی و یا ضد فساد و رانت یک مساله بغرنج است. ما باید چنین وضعیتی را شناسایی و افکار عمومی را علیه آن بسیج کنیم. همذات پنداری شهروندان و بازیگران غیر دولتی و افکار عمومی با وکیل در معرض خطر و محکومیت عمومی شرایطی که برای فشار ایجاد شده ان هم نه فقط توسط ارگان های دولتی بلکه توسط جامعه به طور کلی یک راهبرد اثربخش است. ۲۰. هنگامی که وکلای دادگستری به پرونده های جرایم بسیار حساس، امنیتی، اعتراضات، تقابل با منافع اصحاب زر و زور راه می یابند ریزش تیرهای غیب باریدن می گیرد. هنگامی که دعوی قضایی به طور بالقوه با منافع اقتصادی اشخاصی تداخل دارد وکلا ممکن است در معرض خطر قرار گیرند. فعالان اقتصادی به دنبال سرکوب افشای حقایق یا به رسمیت نشناختن حقوق مدعیان هستند. دعاوی حقوقی مربوط به حقوق زمین، آب یا پایداری و چالش های زیست محیطی، پروژه های استخراج منابع، که در آن بازیگران قدرتمند به دنبال سرکوب حقوق زمین یا محیط زیست هستند

نگرانی های مردم بومی، اقلیت ها یا گروه های به حاشیه رانده شده همه ممکن است سوژه تهدید باشد. باید در اجرای وظایف وکلا، حمایت های مناسبی برای هر وکیل ارائه شود. این حفاظت است در درجه اول مسئولیت دولت است. علاوه بر این، کانون های وکلای دادگستری که برای حمایت، استقلال تأسیس شده اند و یکپارچگی حرفه وکالت، همانطور که در استانداردهای بین المللی برجسته شده است، نقش خاصی را ایفا می کنند.

۱۷. یک بخش از وضعیت وکلای خطر خیز وکلای ضد فساد و حقوق بشری هستند. توانایی طرح ادعاهای حقوق بشری در دادگاه ها علیه دولت ها یا منافع شرکت ها معمولاً بدیهی تلقی نمی شود. در بسیاری از نقاط جهان، وکلایی که وکالت افرادی را که در معرض بی عدالتی یا شکنجه قرار می گیرند، با خطرات مهم و حتی تهدیدکننده زندگی روبرو هستند. وکلا در برخی از کشورها به طور مرتب - خود یا خانواده هایشان - تهدید می شوند، صرفاً به خاطر انجام وظایفشان مورد حمله فیزیکی، ربوده یا حتی ترور قرار می گیرند. تنها در کلمبیا، سالانه ۲۵ وکیل کشته می شوند. ما باید از وکلای حقوق بشری و مدافعان حقوق بشر در سراسر جهان که به دلیل کاری که انجام می دهند در معرض خطر هستند، حمایت کنیم. ارائه رهنمود در مورد نحوه برخورد عادلانه با وکلا یکی از راهکارهاست. کسانی که از وکلا دفاع می کنند باید نحوه تعامل با حکمرانی را بدانند و کوشش اثربخش نه هزینه ساز انجام دهند.

۱۸. برنامه اقدام ما یک میثاق ملی حقوقی می طلبد. میثاقی متکی به همراهی اعضای برجسته قوه قضائیه، وکلا، کانون های وکلا، دانشگاهیان، روزنامه نگاران حقوقی و سایر جامعه نخبگانی که باید ورود کنند و احساس مسئولیت نمایند. این جامعه حقوقی نقش قدرتمندی در شناسایی و به چالش کشیدن تهدیدات علیه حاکمیت قانون و پیشگیری از تهدید وکلا و در حمایت از همکاران حرفه ای و مدافعان حقوق بشر - که به دلیل کاری که انجام می دهند در معرض خطر هستند - ایفا می کند. این ائتلاف غیرسیاسی است و از به چالش کشیدن کسانی که تهدیدها و اقداماتشان علیه وکلای حقوق بشر و مدافعان حقوق شهروندی و ضد فساد بوده هراسی ندارد. جمع ما باید صدایی رسا باشد که

همکاران ارجمند.

ده راهکار پیشنهادی به برگزار کنندگان این نشست فاخر تقدیم نمودم که امید وارم بعنوان دستور کار در اختیار عزیزان قرار گیرد. ما امید داریم که فرجام جهانی امن تر برای وکلا، جهانی حقوق بشری تر و همبسته تر برای زیست شایسته و سزاوار خواهد بود. برای ساختن این امید همه مسئولیم.

ختم به کلام فردوسی بزرگ می کنم که : همه سر به سر ، دست نیکی برید. زمان و جهان را به بد مسپرید. بگویند این جمله در گوش باد. که یک تن به گیتی پریشان مباد.



وکالی در معرض خطر

پیمان زمانی
وکیل دادگستری

وکالت دادگستری از جمله شغل های مرتبط با حقوق شهروندی و عمومی است که پس از پذیرش توسط قوانین داخلی، تحولات بزرگی را سطح بین المللی به خود دیده است تا این نهاد در راستای دادرسی عادلانه، تضمین حقوق طرفین دادرسی و رعایت منافع عمومی و حفظ حقوق شهروندی به معنای عام کلمه مطابق معیارهای حقوق بشری تدوین گردد. به نحوی که دیوان اروپایی حقوق بشر نیز عنوان کرد که محاکم ملی نیز مکلف هستند منافع افراد را که در نتیجه عدم توجه به یک قاعده قابل اجرای بین المللی یا منطقه ای به خطر افتاده، حفظ نماید.

تمامی این عوامل از یک سو و به قتل رسیدن چند وکیل در دفتر کار خود بنا به دلایل شغلی و سیاسی از سوی نفوذاشیستهای اسپانیا سبب آن گشت "روز وکلا در خطر" که از سال ۲۰۱۰ توسط کنفدراسیون وکلای دموکراتیک اروپا (European Democratic Lawyers: Avocats Européens Démocrates)، موسسه وکلای اروپا برای حقوق بشر (EUROPEAN BAR HUMAN RIGHTS INSTITUTE) و اتحادیه اروپا وکلای دموکراسی و حقوق بشر جهانی (European Association of Lawyers for Democracy & World Human Rights) برگزار می شود.

متأسفانه امروزه فشارها و خطرات که وکلا در زندگی حرفه ای خود با آن مواجه هستند از جنبه حقوق سیاسی مانند حق اظهار نظر و آزادی بیان، حق داشتن امنیت شغلی، حق امنیت اقتصادی افزایش یافته است. در این وضعیت نقش کانون های وکلای دادگستری و اتحادیه سراسری کانون های وکلای دادگستری در کاهش این خطر قابل توجه و تأمل است تا دوش به دوش همکاران خود بایستند تا مشکلات خود را فریاد بزنند و به دنبال حقوق خود باشند و به عنوان یک تماشاگر برای مشکلاتشان کنار نمانند زیرا استقلال وکلا لازمه حسن اجرای عدالت و تضمین آزادی ها و لازمه حاکمیت صحیح قانون در تمامی زمینه ها است.

نمونه ای که متأسفانه در ۲۲ نوامبر ۲۰۲۱ محقق شد و عناصر طالبان مجوز انجمن وکلای مستقل افغانستان را برای صدور مجوز وکلا لغو کردند. همین امر منجر به فروپاشی کل نظام قضایی این کشور شد زیرا این امر





محدودیت های جدی را بر حقوق اساسی بشر از جمله آزادی مطبوعات و بیان، آزادی سفر و حریم خصوصی ایجاد نمود. وکلای افغان، نیز با انتقام جویی احتمالی هم از سوی طالبان و هم از سوی هزاران جنایتکار محکومی که با گشودن درهای زندان های سراسر کشور آزاد کردند، روبرو هستند. در حالی که در سطح بین المللی این حق برای وکلا شناخته شده که از سوی حاکمیت به صورت ویژه مورد محافظ و حمایت قرار گیرند و در خصوص هر گونه تعرض به آنها مقررات خاص و سخنگیرانه تری در نظر گرفته شود.

وکلا دادگستری به دلیل تلاش هایشان برای اطمینان از دسترسی شهروندان به ویژه زنان به عدالت و حمایت از حاکمیت قانون با حمایت از حقوق و آزادی های اساسی شان مورد آزار و اذیت مقامات عملی قرار گرفته اند. امروزه حقوق اساسی وکلا هر ساله به دلیل انجام حرفه آنها به شدت نقض می شود. قطعنامه شماره ۳۳/۴۰ مجمع عمومی سازمان ملل ۱۹۸۵ عنوان نموده است که "در خلال کلیه مراحل رسیدگی، نوجوان حق خواهد داشت که از وکیل استفاده نماید و یا خواهان استفاده از مشاوره حقوقی رایگان شود". این همه خشم نسبت به وکلا صرفاً به این دلیل است که آنها وظایف خود را انجام می دهند و وظایف حرفه ای خود را در جایی که بیشتر مورد نیاز هستند انجام می دهند. وکلا در خطر هستند زیرا؛ از سویی به موجب قوانین متعدد وضع شده از سوی مجلس قانونگذاری، هر روزه مرزهای حق دفاع محدودتر می شود و از نقش کانون های وکلای دادگستری که نهاد مدنی کهن و رکن اجتناب ناپذیر عدالت در دولت های حقوقی هستند کاسته می شود. در حالی که مصوبه هشتمین کنگره سازمان ملل راجع به پیشگیری از جرم و رفتار با مجرمین کوبا تحت عنوان "اصول مبنایی راجع به نقش وکلا" به مهم ترین شاخصه استقلال وکیل پرداخته است و عنوان نموده است در راستای تشویق احترام به حقوق بشر و برخورداری از آزادی های بنیادین کلیه افراد محق به دسترسی موثر به خدمات وکلای حرفه ای و مستقل می باشند.

کانون های وکلا در راستای کاهش خطرهای

وارد به وکلا نقش حیاتی در ارتقای موازین و اخلاق حرفه ای حمایت از اعضا در مقابل تعقیب و محدودیتها و دخالت های نادرست تامین خدمات حقوقی برای کلی افرادی که به آنها نیاز دارند دارند و کانون ها باید در امر ترویج و تضمین نقش شایسته و کلا نقش موثر ایفا نمایند.

وکلا در خطر هستند زیرا؛ حقوق قانونی و شان وکلا محفوظ نیست. بررسی هویت وکلا در راهروها، مسیر دادگستری، داخل دادگستری و اعمال فضای امن بازتاب رویکردی است که وکیل را خارج از قوه قضائیه می داند. وکلا در خطر هستند زیرا برخی از وکلا صرفاً به خاطر ذات شغلی شان که

■ مرکز حمایت از وکلای دادگستری ترکیه

مرکز حمایت از وکلای دادگستری ترکیه که با شعار واکنش سریع به حادثه به صورت هفت روز هفت و ۲۴ ساعته فعالیت دارد جهت حمایت از وکلای دادگستری در سال ۱۹۹۸ فعالیت خود را شروع نمود.

مرکز حمایت از وکلای دادگستری علاوه بر حمایت از وکلای دادگستری و کارآموزان باید این آگاهی را در جامعه ایجاد نماید که دفاع یک امر ضروری است. لذا باید حقوق اساسی یک وکیل دادگستری در حین انجام وظیفه از سوی هر نهاد دولتی و غیر دولتی محترم شمرده شود تا بتواند به نحوه احسن و بطور آزادانه از این حق استفاده نماید. وکلایی که در ۱- حین انجام حرفه وکالت و یا به دلیل داشتن ۲- عنوان وکالت با مشکل مواجه می شوند به محض گزارش حادثه به کانون وکلای دادگستری یا مرکز، سریعا مداخله انجام خواهد شد. ساختار مرکز حمایت از وکلای دادگستری از ۱- عضو هیئت مدیره مسئول ۲- AHM هیئت اجرایی AHM ۳- اعضای AHM تشکیل گردیده است.

■ پروژه تامین امنیت جانی وکیل

در صورت تهدید شدن امنیت جانی وکلای دادگستری در موقعیت های خطرناک و اضطرابی و اطمینان از سریع ترین راه ممکن جهت اطلاع به پلیس، نیروهای امنیتی، درمانی، نرم افزار UBAP از سوی اتحادیه سراسری کانون های وکلای دادگستری ترکیه نیز طراحی گردیده است

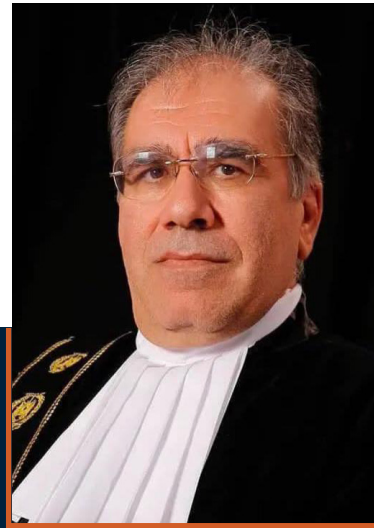
این برنامه با هر گوشی هوشمندی سازگاری دارد و دارای ویژگی های زیر است:

در صورتی که وکیل دادگستری، خود را در موقعیت اضطرابی ببیند با تکان دادن گوشی و یا کشیدن دکمه روی صفحه (در صورت فعال بودن) گوشی هوشمند به حالت هشدار فعال می گردد. برنامه به طور خودکار فوراً زنگ هشدار را به (مرکز نظارت) اتحادیه سراسری کانون های وکلای دادگستری ارسال و همزمان محل اعلام خطر در نقشه برای "مرکز نظارت" نمایش داده می شود که اقدامات لازم انجام گردد.

همزمان نرم افزار به طور خودکار شروع به فیلم برداری و ضبط صدای مخفیانه محیط می نماید و آن را ثانیه به ثانیه به "مرکز نظارت" اتحادیه ارسال می نماید تا اگر به هر نحوی گوشی از دسترس وکیل خارج گردید اطلاعات و مدارک به مرکز "نظارت ارسال" شده باشد نرم افزار دارای تنظیمات آلارم ویژه سفر، آلارم ملاقات، آلارم بی حرکتی و آلارم مراقبت های پزشکی ... بوده که کاربر می تواند در صورت اکتیو تنظیمات اطلاع به خانواده یا مرکز نظارت یا هر دو در آرامش کامل به کار خود ادامه دهد.

دفاع از حق است توسط طرف مقابل یا حتی موکل خود کشته شده اند. علاوه بر این، حوزه های تجاری وکلا روز به روز در حال محدود شدن است و وکلای مدافع حق، متأسفانه تحت فشارهای اقتصادی و شغلی نیز هستند و بر روند بیکاری آنان نیز افزوده میشود. در این راستا اتحادیه سراسری کانون های وکلای دادگستری ترکیه، با تکیه بر قانون وکالت ترکیه نهاد صندوق کمک اجتماعی و همبستگی کانون وکلای ترکیه (Türkiye Barolar Birliği Sosyal Yardım ve Dayanışma Fonu) را تقویت نموده است. صندوق کمک های اجتماعی و همبستگی در چارچوب اتحادیه کانون های وکلای ترکیه بر اساس ماده A/۲۷ قانون وکالت شماره ۱۱۳۶ تأسیس شد و هدف آن عبارت است از؛ این صندوقی است که با اقدامات "معاونت اجتماعی، تامین اجتماعی و همبستگی" آرامش وکیل را تضمین می کند. و وکلایی که در کانون وکلا ثبت نام کرده اند، بدهی ندارند، کسانی که نمی توانند کار کنند، کسانی که ۶۰ درصد از کارافتادگی به بالا دارند، دارای گزارش هیات بهداشت و دارای درآمد هر خانواده کمتر از ۲ برابر حداقل خالص هستند میتواند از بودجه در نظر گرفته شده توسط اتحادیه بهره مند گردند.

وکلا اشخاص مستقلی هستند که از شخصی اطاعت کنند. وکلا برای عدالت، دموکراسی، تفکیک قوا، برابری سلاح ها، حاکمیت قانون فریاد می زنند، نه برای قانون مستقل و اختصاصی، بی طرف و مافوق. این امر در اصل ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر این گونه آمده است که " هر کس در تعیین حقوق و تعهدات مدنی خود یا هرگونه اتهام کیفری علیه او حق دارد در یک زمان معقول توسط دادگاه مستقل و بی طرفی که به موجب قانون تأسیس شده است، رسیدگی عادلانه و علنی داشته باشد." این امر به ویژه در خصوص وکلا حایز اهمیت بالا است.



مصونیت وکیل و آزادی دفاع

دکتر علی مندنی پور

وکیل دادگستری و رئیس سابق کانون وکلای دادگستری فارس و کهگیلویه و بویراحمد

به بهانه برگزاری همایش یک روزه "بایسته های حمایت از وکلای در معرض خطر" به میزبانی کانون وکلای دادگستری استان های فارس و کهگیلویه و بویراحمد. شیراز ۲۲ تیرماه ۱۴۰۲

قرار بود از نقش وکیل دادگستری با تکیه بردفاع از حقوق عمومی بنویسم، شاخه ای از حقوق که از دیرباز گفتن و نوشتن درباره آن چندان به مذاق "صاحبان قدرت" بویژه در آنچه به "سردمداران سیاست" درجهان سوّم مربوط می شود، خوش نیامده و گام نهادن در این حوزه و نقد و نظر پیرامون "آن" در زمینه های حقوق و آزادی های فردی و اجتماعی از جانب شهروندان تا چه رسد به صاحب نظران و در این میان "حقوق دانان" را چنانچه افتاده است و دانیم بر نتافته و نمی تابند. از آنجایی که ورود به این وادی به پیش نیازی به نام "مصونیت" نه در شعار که در عمل نیاز دارد، تازمانی که از این گردنه ی "مصلحت ساز" و پر پیچ و خم به سلامت گذرنکرده و به این هدف ارزشمند دسترسی پیدا نشود، سخن گفتن از این مهم یعنی دفاع تمام و کمال از "حقوق عامه" آن هم در این برهه حساس زمانی ره بجایی نبرده و آنگونه که شایسته و بایسته است از آن نتیجه دلخواه حاصل نخواهد شد. و تلاش برای رسیدن به "نقطه آغاز" است!



در یک کلام

دستیابی به این خواسته قانونی با هدف دفاع از حقوق و آزادی های فردی و اجتماعی شهروندان از سوی جامعه وکالت به عنوان یک وظیفه ذاتی، جز در سایه جانداختن و نهادینه کردن مصونیت وکیل در قانون و به رسمیت شناختن آن از جانب دستگاه قضاء و با بکار گیری مکانیزم های قانونی و از آن مهم تر پشتوانه محکم ضمانت اجرا تحقق نخواهد یافت، گره کوری که این روزها بیش از هر زمان دیگر در پرتو "سیاست" شاهد وجودی آنیم!



و اما مصونیت وکیل یعنی چه و کاربرد آن چیست؟

یکی از شاخه های مهم توسعه قضایی- سیاسی به آزادی و مصونیت و کلاء در چارچوب قانون بر می گردد. بر خوردهای ناروا و غیر قانونی با وکلای دادگستری از جانب مسئولان بامیانداری پاره ای از قضات، و محدود کردن دایره عمل "آنها" در قالب قانون های "نانوشته ایذایی"، در گذر چند دهه گذشته تا به امروز و ایجاد موانع و مشکلات عدیده و هدفمند از جانب "نمایندگان خانه ملت!" مرا بر آن داشت تا بدون ورود در جزئیات و بیان نکته هایی چتر پیرامون این رویدادها که در جای خود حرف و حدیث بسیار به همراه داشته و دارد، در کسوت وکیل دادگستری به مفهوم « مصونیت » در حقوق ایران پرداخته و در همین راستا و در مقام مقایسه کنکاشی داشته باشیم، پیرامون این مفاهیم و کاربرد آنها در نظام حقوقی کشور فرانسه.

"مصونیت (immunité) مصدر جعلی است، که از اسم مفعول « مصون » پدید آمده، و به معنی « محفوظ بودن از تعرض » به کاررفته است، صیانت مصدر اصلی است" که در نوشته های فارسی به وفور به کاررفته و مصون بودن نیز مرادف آن است.

در بررسی سیر تاریخی پیدایش اصطلاح «مصونیت» در حقوق ایران برای نخستین بار در اصل ۱۲ قانون اساسی مشروطه به آن برمی خوریم:

« به هیچ عنوان و به هیچ دستاویز کسی بدون اطلاع و تصویب مجلس شورای ملی حق ندارد، متعرض اعضای آن بشود...»

و از « تعرض ناپذیر بودن » حقوق

شهروندان در اصل نهم متمم همین قانون اینچنین یاد می شود: « افراد مردم از حیث جان و مال و مسکن و شرف محفوظ و مصون از هر نوع تعرض هستند. » . مفهومی که دگر باره در اصل های ۲۰ و ۲۲ قانون یاد شده تکرار گردیده است.

قانون اساسی جمهوری اسلامی نیز به سهم خود این حق مسلم و مشروع شهروندی را در اصل ۲۲ با این عبارت به رسمیت شناخته است: « حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است... »

و این چنین بوده است که مفاهیمی همچون « مصونیت » و « تعرض ناپذیری » بتدریج در فرهنگ ادبیات حقوقی ما وارد شده است. از نتایج مصونیت، مسئول نبودن و تعرض ناپذیر بودن است، بدین معنا که دارنده مصونیت، در برابر گفته ها و نوشته هایی که در حین انجام وظیفه یا به سبب آن مرتکب گردیده، از تعرض مصون است و همانند افراد عادی تحت تعقیب کیفری قرار نمی گیرد؛ مگر پس از طی تشریفات لازم و قانونی و سلب این امتیاز از او.

اصل بر برابری آحاد مردم در مقابل قانون است با این توجیه که هر کس مسئول و جوابگوی اعمال خویش است و در صورت ارتکاب جرم، بایستی در یک چارچوب اصولی، ضمن رعایت موازین قانونی، مجازاتی متناسب در حق وی اعمال گردد، و نه بیشتر، چه این خود اصلی است به رسمیت شناخته شده در تمامی سیستم های حقوقی دنیا و از جمله حقوق کیفری اسلام.

اما مصونیت چنانچه از مفهوم آن متبادر می شود، استثنایی است

دفاع از حق با همه موانع و دست اندازهای پیش رو از این پوشش قانونی در حق وکیل دادگستری به صراحت سخنی به میان نیامده و اگر بپذیریم که در این باره در جایی سخنی رفته و یانوشته شده باشد در خوشبینانه ترین حالت ضمانت اجرای قانونی برای آن در نظر گرفته نشده است، چه، در میدان عمل نیز چنین رفتاری را شاهد بوده ایم!

از نظر محفوظ بودن از اهانت در حین انجام وظیفه یا به سبب آن ماده ۲۰ آیین نامه لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری مصوب ۵/۱۲/۱۳۳۳ کمیسیون های مشترک مجلسین به این دغدغه پایان داده بود و تاحدی به جبران این نقیصه پرداخته بود.

ماده ۲۰: « هر کس نسبت به وکیل دادگستری در حین انجام وظیفه وکالتی یا به سبب آن توهین نماید، به حبس جنحه ای از ۱۵ روز الی ۳ ماه محکوم خواهد گردید. »

ماده ۶ آیین نامه جدید قانون استقلال کانون وکلای دادگستری مصوب ۶/۴/۱۴۰۰ با این عبارات جایگزین ماده یاد شده گردیده است:

"وکیل در مقام دفاع از احترامات تامینات شغل قضاء برخوردار است، کلیه مقامات قضایی و اداری و ضابطان در برخورد با وکلای دادگستری موظفند ضمن حفظ کرامت آنان بر مبنای اصول و موازین شرعی و قانونی و حقوق شهروندی رفتار کنند."

توصیه ای کلی و بدون ضمانت اجرا، این تمام آن چیزی است که وکیل دادگستری بدان دلخوش است، چه در عمل از گذشته تاکنون نشان داده شده است که پیام این متن زیبا و متن هایی از این دست در عمل دردی از وکیل دادگستری در رویارویی با موانع و مشکلات فراوان پیش رو و در مسیر پر دست انداز و وظائف وکالتی اش دوا نکرده و نخواهد کرد.

پرسش این است که فلسفه وجودی دفاع از مصونیت وکیل دادگستری چیست و پوشیدن ردای مصونیت بر قامت دارنده این عنوان یعنی وکیل دادگستری، چه نتایج ارزشمندی از این رهگذر برای دارنده این جایگاه و تبع آن برای حقوق مردم به همراه خواهد داشت؟

در جواب به این سؤال باید گفت؛ عدالت در کنار آزادی و نظم، اساس تمدن یک ملت را شکل

براین قاعده و فلسفه وجودی آن قبل از هر چیز در این واقعیت نهفته است؛ و آن اینکه قانونگذاران که خود به این اصل بنیادی و حیاتی تحت عنوان « برابری و تساوی حقوق شهروندان » معتقد بوده و آن را در سرلوحه قوانین اساسی دنیا به خط خوش نگاشته اند؛ هم آنان نیز در جهت صیانت از حقوق حق و باهدف دفاع از منافع و مصالح مردم، مصلحت کار را در آن دیده اند تا کسانی را در شرایط خاص و تعریف شده قانونی، به واسطه شغل و سمت رسمی شان در جایگاه وکالت و نمایندگی همین مردم از این امتیاز استثنایی که همان « مصونیت » است، بهره مند سازند، حرکتی که در تحلیل نهایی در راستای نفع عمومی جامعه صورت می پذیرد. مصونیت یک عنصر وابسته و ضروری و یک مکمل قانونی هم دارد، و آن « اهانت ناپذیر بودن » است، بدین تعبیر که اگر دارنده مصونیت قانونی به مناسبت انجام وظایف محوله و یا در حین آن مورد اهانت و افترا قرار گیرد، عامل و به عبارت دیگر مرتکب این حرکت در قالب قانونی جرم ارتكابی تحت تعقیب قرار گرفته و مجازات می گردد. در همه قوانین جهان برای برخوردارانی از مصونیت نه تنها دارندگان آن را تعرض ناپذیر تشخیص داده اند؛ بلکه صاحبان این امتیاز را از اهانت ناپذیر بودن نیز بهره مند داشته اند.

مصونیت در قوانین عادی و اساسی شامل:

الف - مصونیت پارلمانی (immunité Parlementaire) برای نمایندگان قوه مقننه.

ب - مصونیت سیاسی (immunité Diplomatique) برای نمایندگان سیاسی دولت های مقیم کشور.

ج - مصونیت اداری (Ministrielle immunité) برای روسای جمهوری، وزیران و...

د - مصونیت قضائی (immunité Judiciaire) برای قضات.

گرچه در باب جلوگیری از اهانت در دایره حقوق عمومی موادی در قانون کیفری سابق و نیز قانون مجازات اسلامی (مجازات عمومی) گنجانیده شده، اما در خصوص جامعه وکلای دادگستری به عنوان یک نهاد مدنی مستقل و دیرپا به رغم جایگاه والا، حساس و نقش تعیین کننده این نهاد در جهت اعاده حقوق مردم از جنبه خصوصی و عمومی و رویارویی اجتناب ناپذیر آن با صاحبان قدرت و مکت و در نتیجه میزان شکنندگی و آسیب پذیری این نهاد خدمتگذار به تبع شرایط خاص شغلی در جامعه و اصولاً نفس کار وکیل در



می دهند و از این رو پیوندی ناگسستنی بین این مفاهیم وجود دارد . عدالت بدون آزادی و نظم بی معناست و فرضیه ای توخالی بیش نیست و نظم بدون عدالت و آزادی به استبداد منجر می گردد . آزادی بدون نظم و عدالت نتیجه ای جز هرج و مرج و ناامنی بدنبال نخواهد داشت ، اما عدالت به نوبه خود برپایه ها و لاجرم معیارهایی استواراست ، یکی از این معیارها جایگاه ویژه وکیل دادگستری است ؛ که هر جامعه ای برای جایگاه و نقش عدالت می

بایستی قائل باشد. باتوجه به نقش وکیل در تأمین عدالت و امنیت و اینکه وکیل دادگستری در جایگاه معاضد دستگاه قضاء قرار دارد و از آنجایی که عدالت هدف غایی و نهایی زندگی است ، بنابراین جامعه نیازمند و چشم براه خدمات ارزنده یاوران عدالت و حامیان حق و حقیقت است .

«... وکیل مدافع برای پاسداری از حقوق و جلوگیری از تعدیات واجحافات و راهنمایی مأموران و دادرسان ، ممانعت از عملیات قانون شکنانه و اقدامات خودسرانه ، حفظ اصول قانون اساسی و مبانی دموکراسی نیازمند دارابودن مصونیت است ، که بدون ترس از توقیف و تعقیب بتواند ، از حق دفاع و درمسیر پیکار با ستم و حمایت از ستمدیدگان از این سپر قانونی بهره برده ، و با استقلال کامل به خدمات خویش ادامه بدهد.

آزادی وکیل در برابر دادگاه ها ، در تنظیم دادخواست ها ، تذکرات و دفاع از منافع و مصالحی که به او سپرده شده ؛ آزادی در انتخاب روش و شکل دفاع با حرفه شریف وکالت وابستگی ناگسستنی دارد.

گرچه تبصره ۳ مجمع تشخیص مصلحت نظام مصوب ۱۱/۷/۷۰ و نیز ماده ۶ آئین نامه جدید قانون استقلال مصوب ۶/۴/۱۴۰۰ چنانچه گفته آمد، وکیل را در موضع دفاع از احترام و تأمینات شاغلین شغل قضاء برخوردار کرده است ، اما اصولاً این امتیاز در میدان عمل کمتر بروز و ظهور پیدا کرده

است و از طرفی باتوجه به حساسیت و ظرافت کار و نیز جوهره خطرآفرین حرفه وکالت جادارد که دایره این مصونیت به مراحل مختلف در مسیر انجام وظیفه وکالتی وکیل نیز تشریح داده شود .

درواقع شعاع وسیع تری از میدان عمل وکیل را دربرگیرد ، نه فقط در:

« موضع دفاع » آنگونه که مجمع تشخیص مصلحت و ماده ۶ یاد شده بدان اذعان دارند ، بلکه این پوشش قانونی پهنه کامل حوزه وظیفه وکالتی وکیل را در بر بگیرد ، در چنین حالتی است ، که وکیل قادر خواهد بود ، فارغ از هر نوع تهدید و ارباب و تطمیع ، بدون ترس از برخوردها و فشار اهرم های قدرت به وظیفه قانونی خویش در چارچوب قانون جامه عمل پوشانده و هیچ عامل بازدارنده ای موجبات عدول و سر خوردگی وی از موازین قانونی و عدالت وانصاف را فراهم ننماید .

بخش دوم این نوشته را چنانچه گفته آمد ، در مقام مقایسه ، از جایگاه و نقش وکیل دادگستری در

بوده و با چارچوب شکایت یا دادخواست ارتباط منطقی داشته باشد، برطبق این قانون دادگاه‌ها موظف اند ضمن تحقیق و تجسس مراتب تشخیص و نظرخویش را مبنی بر اینکه گفته‌ها و نوشته‌های وکیل به موضوع وکالت ارتباط دارد یا خیر، اعلام دارند. در صورتی که در قالب قانونی و در پیشگاه دادگاه احراز گردد، وکیل مدافع از تعرض معاف و از تعقیب مصون بوده، شاکي بنا به تشخیص دادگاه به پرداخت خسارات وارده محکوم خواهد شد.

وانگهی وکیل در مقام دفاع از موکل خویش در خصوص تذکرات بجا و تند به دادستان در مرحله تعقیب کیفری در دادسرا و همین طورا اعلام جرم وکیل در متهم کردن دیگری با هدف الزام دادسرا به انجام تجسس های فشرده و فوری در دفاع از حقوق قانونی موکل دارای مصونیت می باشد، زیرا در این قبیل موارد نه تنها وظیفه وکیل انجام دفاع از حقوق موکل در یک چارچوب مشروع و اصولی است، بلکه وظیفه ارائه راهکار در جهت کشف جرم و تعقیب مجرم را نیز به صورت تذکر به عهده دارد.

محاكم قضایی فرانسه این اعلام جرم‌ها را فاقد جنبه خطا و مسؤولیت برای وکیل تشخیص داده اند. قرار گرفتن حوزه چتر اطمینان بخش مصونیت و احساس مسؤولیت انجام این امور در دایره قانون از جانب وکیل علاوه بر روشن شدن حقایق و ایفای نقش معاضد قضایی به وکیل امکان استفاده از آزادی در دفاع و استقلال رأی را می دهد.

در خارج از این قالب، به کارگیری هر نوع حرکتی که از مصادیق قانونی افترا و یا اهانت محسوب شود؛ مسؤولیت وکیل را در پی خواهد داشت.

بنابراین سایه این مصونیت آنگاه از بالای سروکیل رخت بر خواهد بست، که افترا و یا اهانت از دایره موضوع وکالت خارج بوده باشد، در چنین شرایطی است که متضررین از این حرکت (طرف دعوی و یا شخص ثالث) قانوناً توان تعقیب قضایی وکیل را خواهند داشت.

شایان یاد آوری است که در متن ماده یاد شده:

«بیانات و نوشته‌ها» ی وکیل، کلیه خطابه‌های وی در نزد محاکم و مراجع قضایی از نقطه شروع یک موضوع وکالتی، دادخواست‌ها، شکوائیه‌ها، جوابیه‌ها و دفاعیات در برابر اظهارات طرف و لوابیح و نتیجه گیری و تذکرات و یادداشت‌های پس از اقامه دعوی و یا طرح شکایات را شامل می شود و در تمام این مسیر وکیل از مصونیت آزادی دفاع برخوردار است.

فرانسه و در راستای حمایت از حقوق و آزادی‌های فردی و اجتماعی در نظام حقوقی این کشور یاد می کنیم.

به روایت تاریخ پیدایش و تکامل علم، سابقه پیدایش مفهوم «مصونیت» در ادبیات حقوقی اروپا به بیش از ۶۰۰ سال و اندی باز می گردد، که پس از طی یک مسیر طولانی و پرکشش با پایمردی و استقامت مبارزان راه آزادی و استقلال در این قاره به ویژه در کشورهای انگلستان و فرانسه؛ سرانجام مهمترین و کارآمدترین نوع این مصونیت‌ها از دریچه حقوق اجتماعی و سیاسی یعنی مصونیت پارلمانی، ۲۲۳ سال پیش توسط خطیب و انقلابی معروف فرانسوی «میرابو» Mirabeau در روز ۲۳ ژوئن ۱۷۸۹ (۳ تیر ماه ۱۱۶۸ ش) ۲۱ روز قبل از واقعه انقلاب کبیر فرانسه به مجلس مؤتسان پیشنهاد و به تصویب رسید و همچون بسیاری از درس‌های آموزنده و فراگیر انقلاب این کشور به مرزهای فرهنگی، سیاسی سایر کشورها راه یافت.

در حقوق فرانسه از قاعده «مصونیت» در فرمان قانونی ۱۴ دسامبر ۱۸۱۰ (۲۳ آذر ۱۱۸۹) و قانون ۲۰ ژوئیه ۱۸۸۱ (۲۹ تیرماه ۱۲۶۰) سخن به میان آمده و پذیرش این واقعیت که آزادی در دفاع مستلزم وجود مصونیت برای وکیل دادگستری است، از فرمان قانونی و قانون یاد شده منبعث گردیده است.

ماده ۴۱ قانون ۲۰ ژوئیه ۱۸۸۱ (۲۹ تیرماه ۱۲۶۰) در همین زمینه مقرر می دارد:

«گفتارهای بیان شده (اعلامی) و نوشته‌های تسلیم شده به دادگاه‌ها به وسیله وکلای مدافع به هیچ وجه عنوان افترا، ناسزا، یا اهانت پیدا نمی کند و وکیل از مصونیت برخوردار است.»

بدین ترتیب ضرورت وجودی ناشی از دفاع به وکیل دادگستری امکان و اختیار می دهد که در دادگاه‌ها از آزادی تام و تمام و استقلال کامل بهره مند گردد.

و اما شرایط استفاده وکیل از این امتیاز یعنی «مصونیت» آن است که ضرورت دارد، آنچه تحت عنوان افترا یا اهانت در بیانات، نوشته‌ها و تذکرات وکیل آمده است، اصولاً در ارتباط با موضوع وکالت

حدود آزادی دفاع :

حدودی که برای آزادی دفاع تعیین شده بر مبنای مقررات یا عرف به شرح زیر است :

الف : در برابر احترام به قانون و اقتدار محاکم و نظم عمومی ماده ۴۱ قانون ۲۱ ژوئن ۱۹۴۱ (تیرماه ۱۳۲۰) و کلاً از هر عمل خلاف سوگند و کالتی در نوشته ها و بیانات ممنوع می دارد .

و کلاً باید همه موجبات مربوط به نظم سیاسی یا مذهبی را رعایت نمایند ، یقیناً و کلاً حق دارند در شکایت ها و مدافعات خود بحث و انتقاد از تصمیمات قضایی را مطرح نمایند . خاصه در مورد پژوهش و فرجام از احکام بدوی و استینافی اما این بحث و انتقاد باید مقرون به صواب بوده و با نزاکت انجام گیرد .

همچنین وکیل می تواند ، از قوانینی که بر علیه دعوی یا شکایت وی مورد استناد قرار گرفته انتقاد نماید ، و حتی می تواند ، از مضرّات چنین قوانینی صحبت کند ، و یا تأکید نماید ، که قوانین مزبور فایده خود را از دست داده است و باید لغا و نسخ شود ، اما هرگز نباید احترام خود را نسبت به قوانین و نظم عمومی فراموش کند .

باید انتقاد و بحث متناسب و متعادل باشد .

ب : تمام قواعد و اصطلاحاتی که وکیل در بیانات و شکایات خود به کار می برد باید صحیح باشد ، وکیل باید از کلمات مبتذل ، هزل ، شوخی زننده (ادبیات غیرمؤدبانه) مطالب دور از ذهن و انحرافی ، خطابه های تلخ و طعنه آمیز خودداری نماید .

از خواندن نوشته های با عبارات ناشایست اجتناب کند . در دعاوی مربوط به امور سرتی و اخلاقی (ناموسی) که جلسه دادگاه بصورت غیرعلنی (Huis Clos) تشکیل می گردد ، از مطالب خیلی صریح و توصیفی که احساسات شنونده را برمی انگیزد ، خودداری نماید .

ج - مصونیت آزادی دفاع به جهت وظیفه درستکاری و پاکدامنی (prohibe) که یک تعهد اخلاقی بنیادی است ، محدود می گردد .

وکیل نباید هردعوی را طرح کند و هروسیله ای را مجاز بشمارد ، وجدان خدمتی و حرفه ای وکیل احساس شرف انسانی و احترام لباس و کالت که در بر دارد ، باید او را وادار نماید ، که امور نامناسب ارجاعی را نپذیرد و شکایات و نوشته های خود را وسیله حمایت از شاکی دارای

سوء نیت قرار ندهد .

نباید در برابر درخواست تأخیر در انجام تعهد یا تعویق پرداخت از طرف موکل ، موجبات تطویل دادرسی را فراهم سازد ، و هرگز نباید ادعاهای غیرقابل حمایت و دفاع ناپذیر را قبول و طرح نماید .

مسئولیت وکیل آنگاه سنگین تر خواهد شد که برای پیشبرد و توفیق در دعوی موکل خود ، امور را وارونه جلوه داده و از روال اصلی خارج سازد یا سعی در اثبات وقایع نادرست و غیرواقع داشته باشد .

وکیل نباید عقاید علمی یا رویه قضایی را به طور ناقص ارائه دهد ، یادخواندن نامه یا رأی یا لایحه قسمتی را که به ضرر موکل است حذف نماید ، بلکه آنچه را که در ضمن یک شکوائیه یا رسیدگی قرائت می نماید ، باید صحیح و کامل بوده و به درستی آن ایمان داشته باشد .

د : مصونیت آزادی در دفاع محدود است به تعهد به منحرف نساختن واقعیات و نتایج اختلافات مورد رسیدگی .

رئیس دادگاه حق دارد صحبت وکیل را قطع نماید ، و برای روشن شدن موضوعات از وی تحقیق کند ، و به وی تذکر دهد ، که از منحرف ساختن موضوع دعوی اجتناب نماید

وقتی که از طرف خوانده یا مجلوب ، دفاعی را برعهده دارد ، و با اعلام دادگاه مبنی بر اینکه موضوع به قدر کافی استماع شده ، باید از ادامه بحث خودداری ورزد .

اما در صورتی که وکیل احساس کند ، که به مطالبی کشانده می شود ، که جنبه افراطی و تجاوز از اختیارات قانونی دارد ، یا نامناسب با وضع موکل است ، یا به وی ضرر می رساند می تواند ،

نتایج این امر را تصریح نماید و توجه دادگاه را به آن معطوف دارد . "او" می تواند به روند دادرسی اعتراض و از تجاوزی که به حق دفاع وارد می گردد با بکارگیری ابزارهای قانونی ممانعت بعمل آورد .

در صورتی که جریان امر حاد و شدید باشد لازم است ، رئیس کانون (وکلا) را فوراً آگاه نموده و او را به مداخله وادار نماید .

ذ - آزادی دفاع و مصونیت بر مبنای ماده ۴۱ قانون ۲۹ ژوئیه ۱۸۸۱ (۷ مردادماه ۱۲۶۰) در مورد مطبوعات

زیان دیده قابل تعقیب می باشد. حمایت وکیل از اهانت و تهدیدی که ممکن است در ضمن دادرسی نسبت به وی انجام گیرد. وکیلی که وظیفه دفاع از موکل را به عهده می گیرد، در بسیاری از موارد ناچار از افشای حقایق است، این حقایق ممکن است، برای طرف و اشخاص ثالث زیان آور باشد، همچنین ممکن است انجام دفاع راه ها و ابزارهای انتخابی، جنبه حمله داشته باشد. در این قبیل موارد وکیل ممکن است از طرف خواننده یا از ناحیه اشخاص ثالث مورد اهانت و تهدید و حتی تعدی عملی قرار گیرد. در چنین مواردی باید دید که آیا وکیل در برابر این خطرات از چه مصونیتی برخوردار است؟

وکیلی که در حین انجام وظیفه وکالتی و یا به سبب آن مورد اهانت و تعدی و تهدید واقع شود، می تواند، این موضوع را در قالب شکایت در دادسرا مطرح نماید. در این صورت دادسرا بلافاصله اقدام خواهد کرد، و مقررات کیفری پیش بینی شده در ماده ۸۸ و مواد بعدی قانون آئین دادرسی کیفری برای جرائم ارتكابی این محاکمه را به نفع وکیل و به زیان مرتکب اجرا خواهد کرد. وکیل مورد حمله و اهانت می تواند علیه مرتکب دعوی ضرر و زیان ناشی از جرم طرح شکایت نموده، و خسارت لازم را مطالبه نماید.

و اینچنین است که تا رسیدن به این جایگاه و پوشش مصونیت وکیل و در نتیجه آزادی وی در دفاع از حقوق و آزادی های فردی و اجتماعی شهروندان راه دراز و پر پیچ و خمی پیش رو داریم.

به امید روزی که وکیل دادگستری در ایران نیز از چتر حمایتی کامل قانون در مراحل مختلف انجام وظیفه وکالتی اش بهره مند گردد.

محدود گردیده، برای اینکه حملات هدایت شده به وسیله وکیل در بیانات و نوشته هایی علیه خواننده یا اشخاص ثالث از مصونیت برخوردار گردد، باید نوشته ها و بیانات مزبور با حسن نیت تنظیم شده و از موضوع دفاع مربوطه و دایره محاکمه خارج نباشد.

در صورتی که بیانات و نوشته های افترا آمیز یا موهن از حدود موضوع خارج شود و یا با سوء نیت انجام گیرد، وکیل در معرض تعقیب کیفری قرار گرفته، مسؤولیت مدنی و ضرر و زیان ناشی از این حرکت متوجه وی خواهد بود و اگر ضمناً از جانب وکیل در انجام وظیفه قصور و کوتاهی یا حرکت خلاف شؤون حرفه وکالت مشاهده شود، عمل وی مستلزم تعقیب انتظامی خواهد بود.

طرف شرکت کننده در دادرسی می تواند، رونوشت مطالب را برای تعقیب وکیل از دادگاه تحصیل نماید و دادگاه می تواند به وکیل دستور دهد که مطالب افترا آمیز یا موهن ناشی از سوء نیت یا غیر مرتبط با دفاع و محاکمه را از گفته ها و نوشته های خود حذف نماید. اما در صورتی که نوشته ها و گفته های افترا آمیز یا موهن با تشخیص خود وی، برای دفاع ضروری باشد، هیچ گونه اثری در تعقیب کیفری وکیل نخواهد داشت و متضرر فقط می تواند درخواست ضرر و زیان نماید. کانون (وکلاء) نیز می تواند وکیل را از ۲ ماه تا ۶ ماه از کار وکالت معلق سازد. هرگاه وکیل نوشته ها و بیانات افترا آمیز و اهانت آمیز را در دسترس عموم قرار دهد یا بوسیله مطبوعات منتشر سازد، به علت آنکه چنین حرکتی نشانه سوء نیت و اضرار به غیر و خارج از محکمه بوده و با دفاع بی ارتباط باشد، مرتکب جرم افترا و اهانت گردیده است و از جانب

مأخذ :

- ۱- مجله کانون وکلای دادگستری، سال بیست و نهم شماره ۱۳۳، زمستان ۱۳۵۴.
 - ۲- ترمینولوژی حقوق دکتر جعفری لنگرودی.
 - ۳- حقوق فرانسه.
 - ۴- حقوق اساسی سابق.
 - ۵- حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران.
 - ۶- آیین نامه های اجرایی ۵/۱۲/۱۳۳۳ و ۶/۴/۱۴۰۰ لایحه قانونی استقلال کانون وکلاء دادگستری.
- در پایان به خوانندگان ارجمند این مقاله پیشنهاد می شود به منظور آشنایی هر چه بیشتر حمایت نهادهای بین المللی از نقش، جایگاه و مصونیت وکیل دادگستری

مطالعه ؛

اصول اساسی نقش وکلاء (منتشر شده در نشریه «حقوق بشر» سازمان ملل)
مصوب هشتمین کنفرانس سازمان ملل سال ۱۹۹۰ (هاوانا)
بویژه ماده های ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۱۹ و ۲۰ بخش تضمین های فعالیت وکلای دادگستری توسط دولت ها را مد نظر قرار دهند.



خطرات تهدیدکننده وکلای ریشه‌های آن

دکتر جلیل مالکی

وکیل دادگستری و رئیس سابق کانون وکلای دادگستری مرکز

این خطرات را ارائه نماییم. اگر به مجموعه مخاطراتی که به نحو بالقوه و بالفعل در چند دهه عمر نهاد وکالت وجود داشته است، مرور مختصری بیندازیم این خطرات به سه دسته کلی تقسیم می‌شوند:

دسته اول: خطراتی که امنیت جانی وکلای دادگستری را تهدید می‌کند.
دسته دوم: خطراتی که آزادی‌های اساسی وکلای دادگستری را تهدید می‌کند.
دسته سوم: خطراتی که امنیت حرفه‌ای و شغلی وکلای دادگستری را تهدید می‌کند.

عرض سلام و ادب و احترام دارم خدمت حضار محترم خانم‌ها و آقایان مدیران معزز کانون‌های وکلای دادگستری و همه میهمانان حاضر در مجلس. از هیئت مدیره محترم کانون وکلای دادگستری منطقه فارس که این فرصت را به وجود آورد تا لحظاتی چند در خدمت شما باشم بی‌نهایت سپاسگزارم.

موضوع بحث من امروز خطرات پیرامون وکلای دادگستری و ریشه‌های آن است.

به همین منظور لازم است ابتدا تقسیم بندی از خطرات پیرامون وکلا داشته باشیم و سپس به ریشه‌های آن بپردازیم و در نهایت راهکار برون رفت و پیشگیری از وقوع

دسته اول یعنی خطراتی که امنیت جانی وکلای دادگستری را تهدید می‌کند



باید گفت این خطرات شایع‌ترین و علنی‌ترین خطراتی است که از گذشته وجود داشته و متأسفانه امروز گسترش یافته است. مصداق بارز این دسته از خطرات قتل و ضرب و جرح وکیل توسط موکل یا طرف مقابل دعوی در فرایند دادرسی یا بعد از آن است. از جمله نمونه‌های بارز این خطرات در چند دهه گذشته، می‌توان از قتل و ضرب و جرح ۱۲ وکیل در دهه ۷۰ میلادی در اسپانیا که منجر به نامگذاری روزی به عنوان روز جهانی وکلای در معرض خطر گردید، قتل رئیس کانون و ۲۰ نفر از وکلای دادگستری ایالت کوئته پاکستان در سال ۱۳۹۵ و قتل بیشتر از ۱۵ وکیل دادگستری در سال‌های گذشته در ایران را نام برد. این خطرات توسط دو دسته از اشخاص ارتکاب یافته است:

دسته اول: موکلینی یا وابستگان آنها که بنا به هر جهت از خدمات وکالتی وکیل ناراضی بوده‌اند.
دسته دوم: طرف مقابل دعوایی که در نتیجه خدمات

وکالتی وکیل محکوم گردیده است. هر دو دسته این خطرات از یک طرف ریشه در عوامل اجتماعی و فرهنگی دارد که متاسفانه در جامعه نهادینه شده است و از طرف دیگر ریشه در ضعف ضمانت اجرا های قانونی در حمایت از وکیل در مقام دفاع و انجام وظایف وکالتی دارد.

در خصوص ریشه های فرهنگی و اجتماعی مخاطرات باید گفت در جوامعی که فرهنگ سازی مناسب در خصوص وکالت و شرایط و مقتضیات آن صورت نمی گیرد و نه تنها فرهنگ سازی نمی شود بلکه به نحو مکرر چهره های مخدوش و ملکوک از وکیل دادگستری در رسانه های عمومی دیداری و شنیداری اعم از حقیقی و مجازی ارائه می شود و صاحبان تریبونهای پر مخاطب همواره بر طبل وکیل ستیزی می کوبند و متاسفانه پاسخ روشنگرانه متقابلی از همان رسانه ها و تریبون ها دریافت نمی کنند، مسلماً موجبات تحریک و ترغیب افراد زمینه دار تهدید جانی وکیل در بزنگاه هایی که رودرروی او قرار می گیرند فراهم می شود.

البته در این زمینه از نقش مجنی علیه در تحریک و ترغیب جانی نباید غافل شد. چرا که گاهی اوقات رفتار برخی از همکاران که آموزش کافی ندیده اند و اخلاق حرفه ای را رعایت نمی کنند در تشدید خطرات جانی او بسیار موثر است. و اما در خصوص ریشه های تقنینی و قانونگذاری باید گفت ضعف ضمانت اجرا های قانونی باعث شده است که جنبه های بازدارندگی آنها از بین برود و موجبات تجری مجرمین و تعدی آنها علیه وکلا افزایش یابد متاسفانه تنها مقررره حمایتی وکلا یعنی ماده واحده مجمع تشخیص مصلحت نظام جنبه ارشادی دارد و فاقد ضمانت اجرا است و مجازات سمبلیک مذکور در ماده ۲۰ لایحه قانونی استقلال نه تنها باز دارنده نیست بلکه موجبات تعدی اشخاص به وکیل را فراهم می کند. لازم است در اینجا مراتب تاسف خود را از حذف ضمانت های اجرای محکمی که در جریان تهیه لایحه جامع وکالت در خصوص این دو مقررره داده شد ولی به همراه کلیت لایحه در کمیسیون قضایی مجلس حذف شد بیان نمایم. به هر حال برای برون رفت از این معضل اولاً: باید به هر طریق ممکن زمینه فرهنگ سازی وکالت در رسانه های عمومی اعم از حقیقی یا مجازی فراهم شود. ثانیاً: جلوی اشاعه فرهنگ وکیل ستیزی در جامعه گرفته شود و ثالثاً کانون های وکلا آموزش های خاص نحوه رفتار با موکلین خطرناک و مواجهه با طرف های دعوا را به وکلا و به خصوص وکلای جوان به طور جدی در دستور کار خود قرار دهند و امکانات دفاع شخصی برای آنها به همراه آموزش نحوه استفاده را فراهم نمایند. رابعاً: طی ماده واحده ای ضمانت اجرا های قانونی حمایت از وکلای در معرض خطر افزایش یابد.

دسته دوم: خطرات تهدید کننده آزادی های اساسی وکلا.



این دسته از خطرات عمدتاً توسط حاکمیت ها و در پرونده های سیاسی یا امنیتی که وکیل در آن دخالت دارد واقع می شود. در مواردی که وکیل حسب وظیفه ذاتی به دفاع از متهمین سیاسی و امنیتی می پردازد متاسفانه به دلیل عدم درک صحیح از اقتضائات این وظیفه، در بسیاری از موارد حق دفاع او محدود و یا در معرض خطر حبس و بازداشت و محرومیت از حرفه وکالت قرار می گیرد، که نمونه بارز آن بازداشت و احضار ۵۵ وکیل در جریان دفاع از متهمین اعتراضات و نا آرامی های سال گذشته است. در حالی که در این گونه موارد بفرض وقوع جرم، وکیل هیچگاه از جرم واقع شده دفاع نمی کند بلکه از حقوق قانونی موکل در فرایند دادرسی دفاع می نماید ولیکن متاسفانه به دلیل عدم شناخت کافی از ماهیت وکالت و حق دفاع مستقل، دفاع وکیل حمل بر مقابله او با مراجع امنیتی و قضایی می شود.

ریشه این دسته از خطرات همان گونه که عرض شد، عدم شناخت از ماهیت وظیفه ذاتی وکیل دادگستری و پایین بودن آستانه تحمل او در مقام دفاع توسط مراجع ذیمدخل پرونده می باشد که برای برون رفت از این معضل باید قبل از مقابله با این خطرات به پیشگیری از وقوع آن از طریق فرهنگ سازی نزد مقامات انتظامی و امنیتی و قضایی پرداخت.

دسته سوم: خطرات تهدید کننده امنیت حرفه ای و شغلی وکیل:



این دسته از خطرات عمدتاً ریشه در فعل یا ترک فعل قانونگذار دارد. از آنجایی که وکلای دادگستری باید مثل بسیاری از اقشار جامعه مشمول وضع قوانین مراقبتی و حمایتی قرار گیرند، قانونگذار باید متناسب با خطراتی که این قشر را تهدید می کند قانون گذاری کند.

با مروری کوتاه بر تاریخچه قانون گذاری در حوزه وکالت دادگستری چه در حوزه وضع قانون و چه در حوزه وضع آیین نامه متوجه می شویم که صرفنظر از وضع مقررات مربوط به ساختار و تشکیلات کانون های وکلا و مقررات انتظامی آن، عمده طرح ها و لوایح و آیین نامه هایی که در دستور کار قانونگذار یا مقام واضع قرار گرفته است، نه تنها جنبه حمایتی و

از اқشار جامعه مشمول وضع قوانین مراقبتی و حمایتی قرار گیرند، قانونگذار باید متناسب با خطراتی که این قشر را تهدید می‌کند قانون گذاری کند.

با مروری کوتاه بر تاریخچه قانون گذاری در حوزه وکالت دادگستری چه در حوزه وضع قانون و چه در حوزه وضع آیین نامه متوجه می‌شویم که صرفنظر از وضع مقررات مربوط به ساختار و تشکیلات کانون‌های وکلا و مقررات انتظامی آن، عمده طرح‌ها و لوایح و آیین‌نامه‌هایی که در دستور کار قانونگذار یا مقام واضع قرار گرفته است، نه تنها جنبه حمایتی و تقویت امنیت حرفه‌ای و شغلی وکلای دادگستری را نداشته است، بلکه در پاره‌ای از موارد خود تبدیل به یک تهدید امنیت شغلی حرفه‌ای برای آنها گردیده است. به عنوان مثال می‌توان از وضع مقررات تشکیل موسسات حقوقی توسط اشخاص غیر وکیل که منجر به ایجاد هرج و مرج در نظام وکالتی کشور و ترویج کار چاق کنی و واسطه‌گری گردید، یا طرح استفاده از نماینده حقوقی در دادگاه‌ها برای بخش خصوصی که بخشی از ظرفیت‌های وکالتی را از ید وکلای دادگستری خارج می‌کند. یا ماده ۳۲ قانون آ.د.م که بخش دیگری از ظرفیت‌های وکالتی را از ید وکلای دادگستری خارج کرده است، یا طرح تسهیل صدور مجوزهای کسب و کار که با تضعیف و صوری‌سازی آزمون ورودی، موجبات تضعیف امنیت حرفه‌ای وکیل دادگستری در آینده نه چندان دور را فراهم کرده است. و همچنین آیین‌نامه‌هایی که در صدد بود محرومیت از حرفه وکالت را به دست مقامات متکثر قضایی بسپارد. و آخرین مورد ماده ۴ پیش نویس قانون برنامه هفتم که برخلاف اولویت‌های سیاست‌های کلی این قانون در صدد سلب اختیار کانون‌های وکلا در خصوص صدور و تمدید پروانه وکالت و سپردن آن به درگاه اقتصادی مجوزهای کسب و کار وزارت اقتصاد و دارایی است یاد کرد که هر یک به نوعی با تضعیف نهاد وکالت و ظرفیت‌های آن، امنیت حرفه‌ای و شغلی را تضعیف یا تهدید کرده است.



تقویت امنیت حرفه‌ای و شغلی وکلای دادگستری را نداشته است، بلکه در پاره‌ای از موارد خود تبدیل به یک تهدید امنیت شغلی حرفه‌ای برای آنها گردیده است. به عنوان مثال می‌توان از وضع مقررات تشکیل موسسات حقوقی توسط اشخاص غیر وکیل که منجر به ایجاد هرج و مرج در نظام وکالتی کشور و ترویج کار چاق کنی و واسطه‌گری گردید، یا طرح استفاده از نماینده حقوقی در دادگاه‌ها برای بخش خصوصی که بخشی از ظرفیت‌های وکالتی را از ید وکلای دادگستری خارج می‌کند. یا ماده ۳۲ قانون آ.د.م که بخش دیگری از ظرفیت‌های وکالتی را از ید وکلای دادگستری خارج کرده است، یا طرح تسهیل صدور مجوزهای کسب و کار که با تضعیف و صوری‌سازی آزمون ورودی، موجبات تضعیف امنیت حرفه‌ای وکیل دادگستری در آینده نه چندان دور را فراهم کرده است. و همچنین آیین‌نامه‌هایی که در صدد بود محرومیت از حرفه وکالت را به دست مقامات متکثر قضایی بسپارد. و آخرین مورد ماده ۴ پیش نویس قانون برنامه هفتم که برخلاف اولویت‌های سیاست‌های کلی این قانون در صدد سلب اختیار کانون‌های وکلا در خصوص صدور و تمدید پروانه وکالت و سپردن آن به درگاه اقتصادی مجوزهای کسب و کار وزارت اقتصاد و دارایی است یاد کرد که هر یک به نوعی با تضعیف نهاد وکالت و ظرفیت‌های آن، امنیت حرفه‌ای و شغلی وکیل دادگستری را تضعیف یا تهدید کرده است.



راههای پیشگیری از بزه دیدگی شغلی وکلا

دکتر هما داودی گرمارودی

وکیل دادگستری و رئیس اسبق کانون وکلای دادگستری البرز

با تشکر از کانون وکلای دادگستری منطقه فارس برای برگزاری چنین همایش ارزشمندی، با توجه به موضوع همایش می‌خواهم درباره «بزه دیدگی شغلی» وکلای دادگستری صحبت کنم. برخی از مشاغل دارای حساسیت هستند و صاحبان آنها اصولاً در معرض خطر هستند مانند پلیس، آتش نشانها و وکلا. اصطلاحی در جرم‌شناسی داریم و آن افراد «در آستانه خطر» است. شاید تصور شود وقتی از افراد در آستانه خطر صحبت می‌کنیم منظور خطر بزهکاری است و کسانی هستند که قریباً ممکن است مرتکب جرم شوند در حالیکه این خطر هم شامل خطر بزهکاری است و هم شامل خطر بزه دیدگی. بنابراین می‌خواهیم در مورد کسانی صحبت کنیم که در معرض خطر بزه دیدگی هستند.



مفهوم بزه دیدگی شغلی وکلا

بزه دیدگی شغلی یعنی اینکه افرادی به واسطه شغل و کار خود و به مناسبت انجام وظیفه شغلی خود، در معرض خطر بزه دیده شدن قرار داشته باشند.

اما یک نکته در عنوان این همایش هست و آن اینکه عنوان همایش درباره وکلای «در معرض خطر» است در حالیکه بسیاری از وکلا قربانی خشونت شده‌اند و بزه دیده جرمی مانند قتل یا ضرب و جرح واقع شده‌اند. وقتی صحبت از وکلا در معرض خطر می‌کنیم در واقع به نوعی «بالقوگی خطر» اشاره می‌کنیم اما هنوز هیچ خطر یا خشونتی علیه وکیل اتفاق نیفتاده است. بنابراین باید موضوع به گونه‌ای انتخاب می‌شد که وکلای قربانی خشونت را هم در بر می‌گرفت. انجمن جرم‌شناسی البرز متعاقب قتل سه وکیل دادگستری، در ۸ خرداد سال ۹۷ همایشی را تحت عنوان «پدیدارشناسی



بزه دیدگی شغلی وکلای دادگستری» برگزار نمود و سپس سه کارگاه آموزشی مرتبط مانند اصول حرفه ای و مهارت‌های ارتباطی، آشنایی با بیماری‌های شخصیتی و زبان بدن و قواعد جامعه شناختی و مبانی نظری بزه دیدگی شغلی را از جمله با حضور مرحوم استاد بهمن کشاورز، طراحی و برگزار نمود.

وکالت شغلی است که از حساسیت بالایی برخوردار است و وکیل دادگستری با محدودیت‌های شغلی بسیاری مواجه است. یک وکیل دادگستری ملزم به ادای سوگند و رعایت اخلاق حرفه ای می باشد. او علاوه بر اینکه مانند همه شهروندان، مشمول مقررات و قوانین عمومی کشور است، مشمول مقررات خاص انتظامی هم می باشد که محدودیت‌های مضاعفی را به او تحمیل می کند و شرایط کاری او به گونه ای است که بنظر باید کار وکالت در زمره کارهای سخت و زیان آور محسوب شود. وکالت دادگستری از طرفی بخاطر ماهیت کار حرفه ای که ورود در دعاوی و اختلافات موکلین است، معمولاً خطراتی را هم به همراه دارد.

جرائم خشونت بار شود. اما بزه دیدگی ساختاری، بزه دیدگی ناشی از برخی از ساختارهای قانونی یا عرفی و اجتماعی است که وکیل را در معرض خطر قرار داده یا قربانی خشونت می سازد که هر دو شکل بزه دیدگی شغلی وکلا قابل تأمل و مطالعه است.

عوامل بزه دیدگی شغلی وکلا

مسئله دیگری که می شود مطرح کرد عوامل بزه دیدگی شغلی وکلا است که از جمله این عوامل می توان به کاستی‌ها و خلأ قانون، سیاست‌های اجرایی در برخورد با وکلا، عوامل فرهنگی، رسانه‌ها و نیز خود وکلا از حیث ضعف در مدیریت رابطه و مهارت‌های ارتباطی، اشاره کرد.

راههای پیشگیری از بزه دیدگی شغلی وکلا

در خصوص راههای «پیشگیری» از بزه دیدگی شغلی وکلا مانند همه مباحث پیشگیری باید به سطوح مختلف پیشگیری توجه کرد. پیشگیری فردمدار، پیشگیری اجتماعی یا جامعه مدار و پیشگیری وضعی که این موارد باید در جای خود به نحو علمی مورد مطالعه و بررسی قرار گیرد و

اشکال بزه دیدگی شغلی وکلا

لازم است که به اشکال بزه دیدگی وکلا یا خطری که وکلا را تهدید می کند هم اشاره نمایم. در بحث بزه دیدگی زنان در مقاله ای، بزه دیدگی زنان را به سه قسم تقسیم کرده بودم. بزه دیدگی ساختاری، بزه دیدگی ناشی از جرائم و اول را در مورد وکلا هم می شود مطرح و شناسایی کرد.

بزه دیدگی ناشی از جرائم همان خطر یا جرائم خشونت باری است که از سوی موکل یا طرف دعوی به مناسبت کار حرفه ای وکیل متوجه او می شود یعنی وکیل ممکن است به این سبب قربانی

موجب نقض غرض مقنن است. سیاست جنایی تقنینی و اجرایی باید همسو باشد و این همسویی یا غیرهمسویی می تواند دایره شمول این بزه دیدگی شغلی وکلا را تضییق و یا توسعه دهد.

در جایی که مطابق قانون، وکلا باید از تأمینات و احترامات شاغلین شغل قضا برخوردار باشند، وجود تبصره ماده ۴۸ ق آیین دادرسی کیفری، رد صلاحیت های گسترده، عدم ثبت روز وکیل در تقویم، عدم فرهنگ سازی درباره توسعه وکالت در رسانه ها و ارائه چهره ای غیرواقعی از وکلا در برخی فیلمها و رسانه ها می تواند انعکاس دهنده رویکردی علیه وکلا و مآلاً زمینه ساز افزایش بزه دیدگی شغلی وکلا باشد.

ثانیا - آنچه به کانون های وکلا مربوط می شود این است که باید وظیفه حمایتی خود را به صورت استاندارد و اصولی انجام دهند. درحالیکه شاهد هستیم تنها در برخی از کانون ها کمیسیون حمایت وجود دارد که آن هم مبتنی بر قانون یا آیین نامه نیست و کاری است که براساس حساسیت مدیران کانون ها و یا ضرورت اجتناب ناپذیر حمایت از وکلا ایجاد شده است و معمولاً دارای پشتوانه کاریزماتیک اعضای آن می باشد و این کافی نیست. برای دستیابی به یک حمایت مؤثر و استاندارد از وکلا و برای پیشگیری و کاهش بزه دیدگی شغلی آنان، باید قواعد رفتاری، ساختار واحد و هنجارهای یکسان داشت و این امر مهم باید حداقل در آیین نامه ۱۴۰۰ دیده می شد.

در حالی که ما به شدت نیازمند مقررات و نیز «رویه صنفی» و سیاست اجرایی همسان و جالفتاده در این حوزه هستیم، شاهد بودیم پیش نویس آیین نامه با یک نگاه تشدیددی، کنترل گرایانه و افزایش سطح نظارت نسبت به وکلا تنظیم شده بود و البته بعداً با کمی تعدیل به تصویب رسید.



کانون ها و اتحادیه باید در این زمینه مطالعات علمی شایسته ای را صورت دهند.

در مورد پیشگیری فردمدار می توان از طریق آموزش به وکلا بخصوص وکلای جوان، آماج بزه دیدگی را تقویت کرد و ریسک و خطر بزه دیدگی وکلا را از این طریق کاهش داد. آموزش مهارتهای ارتباطی، زبان بدن، روانشناسی شخصیت، مدیریت رابطه با موکل و طرف دعوی، رعایت اخلاق حرفه ای می تواند آموزش های مؤثری باشد که خطر بزه دیدگی را کاهش دهد. کانون ها باید در زمینه این آموزش ها برنامه ریزی کنند.

در رابطه با پیشگیری اجتماعی یا جامعه مدار نیز بسیاری از «ساختارها» و «هنجارها» باید اصلاح شود. در این حوزه ساختارهای فشل یا ناکارآمد باید فعال شده و نقش حمایتی مؤثری از وکلا را ایفا نمایند. نهادهای حمایتی که تکلیف به پیشگیری و حمایت دارند دولت و کانون های وکلا هستند.

اولا - در سطح عام و دولتی نیازمند قوانین حمایتی کافی، اجرای صحیح قوانین و همسویی رویه ها با قوانین هستیم. گاه قوانین خوبی هم داریم اما در عمل با اجرای ناکارآمد و غیرهمسوی آن مواجه هستیم که

یکی از مصادیق این نگاه تشدید و غیرحمایتی، این است که در تمام مراجع انتظامی کانون ها به محض احراز رکن مادی تخلف، در تعیین مجازات انتظامی برای وکیل تردید نمی شود و اساساً به دنبال احراز و شناسایی عنصر معنوی نیستیم. گویا تخلفات انتظامی وکلا مانند جرائم مادی صرف است که نیاز به اثبات عنصر معنوی ندارد. می دانیم که جرائم مادی صرف مبتنی بر رویکرد شدت گرایانه نسبت به برخی جرائم است که بخاطر یک مصلحت مهم تر و ایجاد نظم حقوقی در یک حوزه مانند چک یا جرائم خلافی راهنمایی و رانندگی، قانونگذار عنصر معنوی را مفروض تلقی می کند. حال ما هم در رویه های انتظامی همین رویکرد را در برخورد با وکلا داشته ایم.

مورد دیگر پیش بینی مقررات «تکرار تخلف» در ماده ۱۳۷ آیین نامه جدید است که شدت گرایانه است و بویژه در جایی که تخلف درجه پنج را در اثر تکرار همان تخلف، موجب مجازات درجه شش یعنی ابطال پروانه دانسته است. این در حالی است که در جرائم حدی هم که قانونگذار سختگیرانه عمل می کند، پس از سه بار اجرای حد، در مرتبه چهارم رویکرد حذف و طرد را اتخاذ می کند و یا در بسیاری از کشورها قوانین معروف به سه ضربه و سپس اخراج چنین است که اگر کسی پس از سه بار ارتکاب جرم و سه بار اجرای مجازات آن، باز مرتکب جرم شد، مجازات بار چهارم رویکرد حذفی دارد. در حالیکه ما در صورت ارتکاب یک تخلف صنفی ساده، برای بار دوم رویکرد حذفی اتخاذ کرده ایم و حکم به ابطال پروانه وکیل و محرومیت دائم او از وکالت می دهیم که این بسیار شدت گرایانه است و این رویکرد مطلقاً حمایتی نیست.

همچنین در بند ۶ ماده ۶۵ الحاقی در پیش نویس آمده بود که اگر رئیس کانون از هر طریقی مطلع شود که وکیلی «مقررات حوزه وکالت» را رعایت نمی کند می تواند دفتر او را بازرسی کند. این ماده بسیار غیرخردمندانه بود. اولاً کدام مقررات حوزه وکالت و ثانیاً در بسیاری از تخلفات وکلا مانند عدم حضور در جلسات دادگاه یا عدم رعایت احترام اصحاب دعوی، هیچ نیازی به بازرسی دفتر وی نیست و بازرسی دفتر وکلا مشکلی را حل نمی کند. در حوزه جرائم شاهد هستیم نفتیش و بازرسی منزل در همه جرائم صورت نمی گیرد و تنها در جرائم خاص و در صورتی که این



بازرسی بتواند منجر به کشف وسایل ارتکاب جرم یا دستگیری متهم شود، در نهایت محدودیت و احتیاط صورت می گیرد. حال چه نیازی به بازرسی دفتر وکیل از سوی رئیس کانون بوده و هدف این بازرسی چه می توانست باشد. این نگاه تشدید و غیرحمایتی در پیش نویس بود که خوشبختانه کمی تعدیل و اصلاح شد و نهایتاً در تبصره یک ماده ۸۵ آیین نامه دیده می شود. پرسش این است که چرا در هنگام تدوین آیین نامه مقرراتی برای حمایت از وکلا دیده نشد و چرا کمیسیون حمایت به صورت قانونی، ساختارمند و ضابطه مند در آیین نامه گنجانده نشد. بنظر می رسد نیازمند اصلاح آیین نامه در این جهت هستیم که کمیسیون حمایت نه بعنوان یک کمیسیون تشریفاتی و مبتنی بر مصلحت بلکه در حد یک رکن کانون، در آیین نامه گنجانده شود و کانون ها مکلف به حمایت قانونی از وکلا، معرفی وکیل حمایتی به مراجع قضایی، بدون نیاز به ابطال تمبر باشند. در زمینه پیشگیری وضعی از بزه دیدگی وکلا هم با توجه به اینکه جرمشناسان معمولاً پیشگیری اجتماعی را کافی و کارآمد نمی دانند معتقدند باید تدابیر و اقداماتی در جهت کاهش موقعیت ها و فرصت های ارتکاب جرم اتخاذ کرد که در مورد بزه دیدگی شغلی وکلا هم باید این نوع پیشگیری مد نظر قرار گیرد که از جمله می توان به افزایش هزینه ارتکاب جرم علیه وکلا یا تغییر در طراحی محیطی در حوزه شغلی وکلا اشاره نمود که البته این سطح از پیشگیری شاید در شرایط موجود خیلی مورد انتظار نباشد اما بهر حال اتحادیه و کانون ها باید روی آن کار کنند.

به طور کلی مسئله حمایت از وکلای در معرض خطر و پیشگیری از بزه دیدگی شغلی آنان موضوع بسیار مهمی است که از کانون محترم منطقه فارس بخاطر زحمت برگزاری این همایش خوب تشکر می نمایم.

طرح پیشنهادی جهت حمایت تقنینی از زیست حرفه ای وکیل



نظر به اینکه وکیل دادگستری و حرفه وکالت از ارکان و نهادهای اصلی تحقق حاکمیت قانون و دفاع از ارزش های مردم سالار و پاسداری از حقوق اساسی و تامین آزادی های بنیادین و تضمین دادرسی عادلانه در نظام اجتماعی و حقوقی کنونی می باشد، و از این رو که وکیل در دادخواهی ها نقشی اثربخش در برابر تعدیات وارد بر حقوق عمومی دارد و در دعاوی خصوصی، حمایت از حقوق ستمدیدگان گاه واکنش اصحاب زر و زور را در پی داشته است و با توجه به اینکه وکیل دادگستری بر مبنای وظیفه حرفه ای و مسئولیت اجتماعی، در برابر تعدی به حقوق بشر و شهروندی ایستادگی می کند و در روند اعلان نقض اصول و موازین عدالت آیینی، بد رفتاری با متهمین و زندانیان، نقض اصل علنی بودن محاکمات و موانع حق دسترسی به وکیل و استیفای حق دفاع، و سوء استفاده از قدرت با چالش ها و موانعی مواجه است و حسب مقتضیات حرفه ای در پاسداری از حقوق کودکان و زنان، منع خشونت های خانگی، تبعیض های قومی و عشیره ای، نابرابری های جنسیتی و طبقاتی، حمایت از حقوق بزه دیده، پیشگیری از جرم، دفاع از حق اعتراض و حق تجمعات مقرر در قانون اساسی و حق نقد و نظر شهروندان تکالیفی به عهده دارد، لازم می داند متواضعانه رهنمودهای ذیل را در حمایت از وکیل مستقل شرافت پیشه خطاب به مردم و مسئولان مطرح نماید:

۱- اتحادیه کانون های وکلای دادگستری ایران یک دبیرخانه مسنجم کار آمد و اثربخش تشکیل و کمیته ملی پیگیری وکلای در معرض خطر و دبیرخانه آنرا راه اندازی تا ضمن همکاری با کمیته های فعال استانی در کمیسیون های حمایت از وکلا و حقوق بشر کانون های وکلای دادگستری ایران نسبت به رصد وضعیت وکلا در حوزه انجام امور حرفه ای و اخذ گزارش و پیگیری موردی و دیده بانی و گزارش گری، ارتباط با ضابطین و دستگاه های مسئول در سطح ملی و منطقه ای و استانی اقدام و انسجام و هماهنگی قابل قبولی در این راستا اعمال نماید. کمیته مذکور یک گزارشگر مستقل داشته و اقدامات کانون ها و مسئولان امر را اطلاع رسانی خواهد نمود.

۲- قوای عمومی اعم از دستگاه قضایی و ضابطین، وضعیت خطر خیز وکیل در صنف وکالت را مطمح نظر داشته و در مواقع حساس گزارش وکیل یا کانون وکلا یا کمیته وکلای در معرض خطر از یک خطر مقدر یا محتمل را منشأ اثر قراردادده و با اقدامات عملی، پلیسی، یا مواردی نظیر حمایت های فوری احتیاطی - مراقبتی، تدابیر و اقدامات لازم را در دستور کار قرار دهند.

۳- ضابطین اعم از حفاظت اطلاعات قوه قضائیه و وزارت اطلاعات، در وضعیتی که وکیل در مقام دفاع یا با حسن نیت افشای یک نقض حق را در عرصه عمومی مطرح می نماید، تاب آوری نموده و از بازداشت و تعقیب وکیل متعهد به حقوق مردم به صرف تقابل با مقامات عمومی و نقد یا افشای تعدی به حقوق شهروندی اجتناب ورزند.

۴- رسانه ملی با بازنگری در سیاست های خود، تبیین و تعرفه جایگاه حقیقی وکلا برای مردم، ارتقای

دانش عمومی نسبت به خدمات وکیل دادگستری خصوصاً در توسعه حکومت قانون و دسترسی به عدالت را مورد توجه قرار دهد.

۵- دادستان های محترم در مواقعی که وکیل گزارشی از نقض حق توسط مراجع رسمی را منتشر کرده یا به مقامات مسئول اعلام میکنند، از باب حفظ حقوق عامه، تدابیر حمایتی نسبت به وکیل متعهد افشا کننده را مطرح نظر قرار دهند.

۶- نهادهای مدنی، رسانه های جمعی، گروه های مرجع اجتماعی در توسعه فرهنگ استفاده از وکیل و نقش وکیل در دفاع از حقوق و آزادی ها به عرصه عمومی آمده و آگاهی بخشی نمایند.

۷- وزارتین آموزش و پرورش و آموزش عالی با گنجانیدن آموزه های لازم در شناسایی جایگاه وکیل و ارتقاء سطح دانش عمومی نسبت به نحوه بهره مندی از حقوق فردی و اجتماعی و نقش وکیل در توسعه و تحکیم بنیادهای حقوقی مقرر در قانون اساسی و ارتقای شاخص های حکومت قانون ایفاء نقش نمایند.

۸- کانون های وکلا با اتخاذ رویکرد اثربخش خود انتظام، در ضدیت با فساد و مقابله با هر گونه تعدی و تخلف معدود افراد وکیل نما نسبت به آسیب شناسی درونی و حمایت از حقوق مردم اهتمام ورزند تا کیان وکلا و نهاد وکالت از گزند و آسیب در امان ماند و احدی به خود اجازه ندهد با شکستن حریم حرفه مقدس وکالت، سوداگری را بر منافع عمومی و سوگند حرفه ای وکالت ترحیب دهد.

۹- کمیسیون های کار آموزی با اهتمام به ترویج و تعلیم اخلاق حرفه ای وکالت آموزش مهارت های حرفه ای در عرصه مقابله و مدیریت مخاطرات را مد نظر قرار داده و ملزومات تامین و ارتقای امنیت حرفه ای وکیل را در دوره کارآموزی و آموزش های حین وکالت منظور دارند.

۱۰- مجلس شورای اسلامی از طرح و تصویب قوانین و مقرراتی که نقض استقلال و نفی اثربخشی دفاع وکلای مستقل دادگستری را در بر دارد اجتناب نموده و اجازه ندهند جایگاه رفیع وکیل دادگستری در حد کارگزار غیر مستقل قوه قضا و بلا اثر در روند دادرسی منصفانه تقلیل یابد. و توجه داشته باشند هر اقدامی که دسترسی شهروندان به وکیل توانمند و کار آزموده را مختل نموده یا حرفه شریف وکالت را به کسب و کار تجاری سوداگرانه فروکاهد یا موجبات تولید انبوه بی کیفیت وکیل دادگستری را فراهم آورد ضربه به کیان وکالت و افت شاخص های توسعه حقوقی کشور و منتج به بحران اثربخشی و کارآمدی وکیل در روند استیفای حق دفاع و اقامه دادرسی منصفانه را در بر خواهد داشت و هم برای وکیل و هم برای شهروندان پر مخاطره خواهد بود.

۱۱- چون وکیل بخشی از فرایند تحقق دادرسی منصفانه را بر عهده گرفته و به واقع کارگزار خدمت عمومی از خاستگاه بخش غیر دولتی است و بازیگر اثربخش و حائز اهمیت در تضمین حکومت قانون است باید مورد حمایت قوای عمومی و نهادهای حکمرابیی قرار گیرد.

برای ایجاد بستر مناسب و متناسب با حق دفاع از جایگاه وکالت بویژه زیست حرفه ای وکیل پیشنهاد می گردد تبصره های ذیل به قانون ماده واحده انتخاب وکیل توسط اصحاب دعوی مصوب ۱۳۷۰ مجمع تشخیص مصلحت نظام الحاق گردد:

تبصره ۴: وکلای دادگستری در مقام ایفای وظایف وکالتی خود و در اظهار نظر حقوقی و در استدلال های خود کاملاً آزادند و نمی توان آنها را به سبب اظهار نظر و انجام وظایف وکالتی و یا قبول وکالت از هر شخص با هر نوع اتهامی و هر پرونده ای مورد تعقیب، احضار و محدودیت توسط هر مرجع یا مقامی اعم از قضایی، اداری، شبه قضایی، امنیتی و یا اطلاعاتی قرار داد. نقض این تبصره موجب محرومیت متخلف از حقوق اجتماعی درجه پنج مندرج در ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی و جبران خسارات مادی و معنوی وارده به وکیل مورد تعرض خواهد بود ..

تبصره ۵: نظر به اینکه وکیل در مقام دفاع از شئون امر قضا برخوردار است، لذا چنانچه در حین انجام وظیفه حرفه ای یا مرتبط با فرایند ایفای تکالیف وکالتی به هر نحو از قبیل توهین یا تهدید یا ایجاد خطر مستقیم یا غیر مستقیم مورد تعرض قرار گیرد و احراز شود که این عمل متأثر از جایگاه وکیل در مقام دفاع می باشد، مرتکب به مجازات های درجه پنج از نوع حبس یا جزای نقدی یا هر دو مندرج در ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی محکوم می شود.

تبصره ۶: چنانچه وکیل به اعتبار ایفای وظیفه شغلی در معرض خطر جانی یا مالی و حیثیتی قرار گرفته و یا در روند افشای فساد و احیای حقوق عامه و دفاع از آزادی های مشروع، خطری متوجه وی گردد و خود یا کانون وکلای متبوع گزارش خطر را به ضابطین ابراز نمایند نهادهای مذکور، مکلف به اتخاذ تدابیر تأمینی و حمایتی می باشند. ترک فعل در این خصوص مشمول مجازات موضوع ماده ۵۷۰ کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) خواهد بود.

ب) پیشنهادات قانونگذاری

اصول اساسی نقش وکلا

تصویب شده در هشتمین کنگره سازمان ملل برای پیشگیری
از جرایم و رفتار با مجرمان- هاوانا، ۱۹۹۰



اصول اساسی درباره نقش وکلاء از جمله مباحث حقوقی و به این معنا که حمایت کافی از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، مدنی یا سیاسی مستلزم دسترسی مؤثر تمامی افراد به خدمات حقوقی وکلای حرفه‌ای مستقل است. اهمیت نقش و جایگاهی که وکلاء در تحقق عدالت و حمایت از آزادی‌ها و حقوق اساسی بشر می‌توانند ایفا نمایند و همچنین مقتضیات اجرای حق محاکمه و حق دادخواهی، موجب شده تا در تدوین اسناد حقوق بشری حق داشتن وکیل در رسیدگی‌های قضایی مورد شناسایی قرار گیرد و حتی در مواردی دادگستری ملزم به اخذ وکیل برای افراد تحت محاکمه شده یا باید حق داشتن وکیل را به اشخاص اطلاع دهد.

فهرست مندرجات

- ۱ - مقدمه
- ۲ - محتوای سند
 - ۲.۱ - مقدمه سند
 - ۲.۲ - دسترسی به وکلاء و خدمات حقوقی
 - ۲.۳ - تضمین‌های خاص در مسایل عدالت جزایی
 - ۲.۴ - صلاحیت‌ها و آموزش
 - ۲.۵ - وظایف و مسئولیت‌ها
 - ۲.۶ - تضمین‌های فعالیت وکلاء
 - ۲.۷ - آزادی بیان و اجتماع
 - ۲.۸ - کانون‌های حرفه‌ای وکلاء
 - ۲.۹ - رسیدگی انتظامی

اهمیت نقش و جایگاهی که وکلاء در تحقق عدالت و حمایت از آزادی‌ها و حقوق اساسی بشر می‌توانند ایفا نمایند و همچنین مقتضیات اجرای حق محاکمه و حق دادخواهی، موجب شده تا در تدوین اسناد حقوق بشری مهمی نظیر میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۶۶) حق داشتن وکیل در رسیدگی‌های قضایی مورد شناسایی قرار

گیرد و حتی در مواردی دادگستری ملزم به اخذ وکیل برای افراد تحت محاکمه شده یا باید حق داشتن وکیل را به اشخاص اطلاع دهد. همچنین در سایر اسناد مصوب مجمع عمومی سازمان ملل متحد نظیر مجموعه اصول حمایت از تمامی افراد تحت هر گونه بازداشت یا حبس، قواعد حداقل استاندارد رفتار با زندانیان و اعلامیه اصول اساسی عدالت برای قربانیان جرایم و سوء استفاده از قدرت، نیز توجه ویژه‌ای به حق مزبور شده است. چنین جایگاه و عملکردهایی موجب شد تا هشتمین کنگره سازمان ملل متحد برای پیش‌گیری از جرایم و رفتار با مجرمان که در ۲۷ آگوست تا ۷ سپتامبر ۱۹۹۰ در کوبا (هاوانا) Cuba (Havana) برگزار گردید، اصول اساسی درباره نقش وکلاء را برای مساعدت دولت‌های عضو در امر ترویج و تضمین صحیح حقوق وکالت و وکلاء تدوین نمود تا دولت‌ها این اصول را در چارچوب وضع قوانین و تعیین رویه‌های ملی خود مد نظر قرار دهند.

۲ - محتوای سند

پیش‌نویس سند اصول اساسی درباره نقش وکلاء دارای یک مقدمه و ۲۹ ماده (اصل) است که به اختصار در قالب زیر ارائه می‌گردد:

۲.۱ - مقدمه سند

در مقدمه این سند، مشابه مقدمه بسیاری از اسناد حقوق بشری، به منشور ملل متحد (۱۹۴۵) و تاکید آن بر ترویج و تشویق احترام به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی بدون هر گونه تبعیض و اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸) که متضمن اصول مساوات در برابر قانون، فرض بی‌گناهی، حق دادرسی منصفانه و... است و همچنین به سایر اسناد بین‌المللی مهم حقوق بشری که در آن‌ها حقوق مزبور مورد شناسایی قرار گرفته و حق داشتن وکیل و بهره‌مندی از مشاوره‌های حقوقی تضمین شده، اشاره گردیده است. سپس به این نکته مهم پرداخته که حمایت کافی از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، مدنی یا

سیاسی مستلزم دسترسی مؤثر تمامی افراد به خدمات حقوقی وکلای حرفه‌ای مستقل است. همچنین به نقش مهم انجمن‌های (کانون‌های) حرفه‌ای وکلاء در ارتقای استانداردها و اخلاق حرفه‌ای، حمایت از اعضا در مقابل تعقیب‌ها، محدودیت‌ها و مداخله‌های نادرست، تامین خدمات حقوقی برای افراد نیازمند، همکاری با مؤسسات دولتی و غیره در پیشبرد اهداف عدالت و منافع عمومی، توجه شده و از دولت‌ها خواسته شده تا ضمن لحاظ این اصول در مقررات داخلی، آن‌ها را به اطلاع وکلاء، قضات، اعضای قوه مجریه و مقننه و مردم برسانند.

۲.۲ - دسترسی به وکلاء و خدمات حقوقی

دسترسی به وکلاء و خدمات حقوقی (Access to lawyers and legal services)؛ این قسمت که شامل ۴ ماده است، شامل اصولی در ارتباط با حق دسترسی افراد به وکلاء و خدمات حقوقی می‌باشد. حق همگان به داشتن وکیل منتخب خود در تمامی مراحل رسیدگی (ماده ۱)، تضمین دولت‌ها به تدارک روش‌ها و ساختارهای کافی و مؤثر برای دسترسی مؤثر و مساوی به وکلاء جهت تمامی افراد بدون هر گونه تبعیض (ماده ۲)، تضمین دولت‌ها در اختصاص منابع کافی برای ارائه خدمات حقوقی به افراد فقیر و ناتوان (ماده ۳) و ارائه آگاهی‌های عمومی درباره حقوق و تکالیف

دولت‌ها و کانون‌های حرفه‌ای وکلاء و ترویج اهمیت نقش وکلاء در حمایت از آزادی‌های اساسی (ماده ۴) از جمله اصول مهم در این بخشند.

۲.۳ - تضمین‌های خاص در مسایل عدالت جزایی

تضمین‌های خاص در مسایل عدالت جزایی (Special safeguards in criminal justice matters)؛ از آنجایی که امور جزایی از حساسیت‌ها و اهمیت ویژه‌ای برخوردارند، در مواد ۵ تا ۸، اصولی جهت تحقق عدالت جزایی مقرر گردیده است.

تضمین آگاه‌سازی فوری بازداشت‌شدگان یا متهمان به حق استفاده آنان از وکیل منتخب خودشان توسط مقامات ذیصلاح (ماده ۵)، تامین معاضدت حقوقی مؤثر و استفاده از وکیل با تجربه و توانایی متناسب با جرمانتسابی رایگان در موارد مقتضی (ماده ۶)، تضمین دسترسی فوری همه افراد دستگیر و بازداشت شده به وکیل (کمتر از ۴۸ ساعت) (ماده ۷) و تضمین فرصت کافی برای افراد بازداشتی یا زندانی جهت ملاقات و مشورت با وکیل به طور محرمانه و بدون تاخیر (ماده ۸) از جمله اصول اساسی برای تامین عدالت جزایی در این قسمت محسوب می‌شوند.

۲.۴ - صلاحیت‌ها و آموزش

صلاحیت‌ها و آموزش (Qualifications and training)؛ این بخش از اصول اساسی شامل مواد ۹ تا ۱۱ ناظر به شخص وکیل می‌باشد. تضمین کسب آموزش مناسب وکلاء و آگاهی از آرمان‌ها و اصول اخلاقی حرفه وکالت و حقوق بشر و آزادی‌های اساسی (ماده ۹)، تضمین پذیرش و ادامه کار وکالت افراد بدون هر گونه تبعیض به جز درباره تابعیت (ماده ۱۰) و اتخاذ تدابیر ویژه جهت تامین وکلاء مناسب با نیازهای گروه‌های خاص در جوامع یا مناطق محروم از خدمات حقوقی (ماده ۱۱) از جمله اصول اساسی برای این بخش است.

۲.۵ - وظایف و مسئولیت‌ها

وظایف و مسئولیت‌ها (Duties and responsibilities)؛ حفظ احترام و حیثیت شغلی (ماده ۱۲)، ارایه آگاهی درباره حقوق و تکالیف موکلان و کمک به آنها در مراجع رسیدگی (ماده ۱۳)، اقدام به وکالت در حمایت از حقوق موکلان و ترویج آرمان عدالت و احترام به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی مطابق قانون و اصول اخلاقی (ماده ۱۴) و پایبندی و احترام نسبت به منافع موکلان (ماده ۱۵) از جمله اصول اساسی در وظایف و مسئولیت وکلاء محسوب می‌گردند.

۲.۶ - تضمین‌های فعالیت وکلاء

تضمین‌های فعالیت وکلاء (Guarantees for the functioning of lawyers)؛ برای آنکه وکلاء بتوانند نقش حیاتی خود در دفاع از موکلان را به درستی ایفا نمایند، رعایت اصولی جهت تضمین فعالیت‌های آنها ضرورت دارد. تضمین ایفای وظایف حرفه‌ای بدون تهدید و مداخله‌های ناصحیح و امکان مسافرت و ارایه مشاوره آزادانه در داخل یا خارج به موکلان (ماده ۱۶)، حفاظت کافی از وکلاء در مقابل تهدید به جهت انجام وظایفشان (ماده ۱۷)، تفکیک وکلاء از موکلان و اهداف آنان (ماده ۱۸)، عدم ممانعت از حضور وکیل در جلسه رسیدگی به جز در خصوص وکلاء فاقد صلاحیت قانونی (ماده ۱۹)، برخورداری وکلاء از مصونیت مدنی و کیفری برای بیان



مطالبشان در خلال انجام وظایف حرفه‌ای (ماده ۲۰)، دسترسی کافی و مؤثر وکلاء به پرونده و اسناد مربوطه در اولین فرصت مقتضی (ماده ۲۱) و شناسایی و مراعات محرمانه بودن ارتباطها و مشورت‌های وکلاء و موکلان در محدوده حرفه‌ای از جمله اصولی‌اند که دولت‌ها ملزم به تضمین آنها جهت انجام صحیح فعالیت‌های حرفه‌ای وکلاء هستند.

۲.۷ - آزادی بیان و اجتماع

آزادی بیان و اجتماع (Freedom of expression and association)؛ وکلاء مانند سایر شهروندان حق آزادی بیان، عقیده، تجمع و اجتماعات را دارا بوده و به طور خاص حق شرکت در مباحث عمومی درباره حقوق، مدیریت عدالت و ترویج و حمایت از حقوق بشر و عضویت در سازمان‌های محلی، ملی یا بین‌المللی و... را دارند، ولی در مقام استفاده از این حقوق باید قانون، استانداردها و اصول اخلاقی شناخته شده حرفه وکالت را رعایت نمایند (ماده ۲۳).

۲.۸ - کانون‌های حرفه‌ای وکلاء

کانون‌های حرفه‌ای وکلاء (Professional associations of lawyers)؛ وکلاء حق تشکیل کانون‌های حرفه‌ای مستقل و عضویت در آنها و انتخاب اعضای اجرایی آن و انجام وظایف خود را بدون مداخله بیرونی دارا بوده (ماده ۲۴) و این کانون‌ها نیز با دولت‌ها جهت تضمین دسترسی مؤثر و برابر تمامی افراد به خدمات حقوقی و انجام فعالیت وکلاء بدون مداخله و مطابق با قانون و اصول اخلاقی حرفه‌ای، همکاری می‌نمایند (ماده ۲۵).

۲.۹ - رسیدگی انتظامی

رسیدگی انتظامی (Disciplinary proceedings)؛ همان گونه که وجود مراجع انتظامی رسیدگی به تخلفات وکلاء و قواعد و مقررات حرفه‌ای در جهت تامین حقوق موکلان و جامعه امری ضروری می‌باشد، رعایت اصول عادلانه دادرسی و اجرای صحیح مقررات مربوطه نیز جهت تضمین حقوق وکلاء و عدم تعرض بی مورد به آنها امری اجتناب‌ناپذیر است. از این جهت در این قسمت اصولی چون، تعیین قواعد حرفه‌ای فعالیت وکلاء توسط متخصصان مربوطه از طریق نهاد قانونگذاری بر اساس حقوق و عرف ملی استانداردهای بین‌المللی (ماده ۲۶)، رسیدگی سریع و عادلانه به شکایت‌ها علیه وکلاء در امور حرفه‌ای بر اساس آیین کار مناسب و حق وکلاء در بهره‌مندی از وکیل و محاکمه عادلانه (ماده ۲۷)، رسیدگی بی طرفانه توسط کمیته انتظامی مستقل و وابسته به تجدید نظر مستقل قضایی (ماده ۲۸) و انجام رسیدگی انتظامی مطابق قواعد حرفه‌ای و اصول اخلاقی شناخته شده و اصول حاضر (ماده ۲۹)، برای رعایت منافع وکلاء و موکلان و تحقق عدالت قضایی پیشنهاد شده است.



